

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هادی بهزاد

## صدایی از درون ایران باید

بیطرفی" درحاشیهی قوانینی که بر منع فروش سلاح به کشورهای در حال جنگ وضع کرده است ونیز بی اغراق کشورهای که بیش از یک کارخانه تولیدی روت وپا فشنگ و تفنگ در اختیار رندا رند، بسهم خود مسطوره ای برای جذب دلارهای عراق و رژیم "نه شرقی ونه غربی" آیت الله، روانه ی تهران وبغداد کرده اند؛ با یک تفاهوت که بعضی "در مقام دوستی" یکی از طرفین در جنگ وپاره ای در آن واحد دو طرف را دوشیده اند و خلاصه گاه بمباشرت مستقیم و گاه در زیر نگاه "خوابش" دولت هائی که پیوسته بردوا مابین جنگ "برکشتار و بیحاصل" غریبه و رژیم آیت الله را کانون تروریسم و عامل "ناآرامیهای منطقه ای حساس وحیاتی" خاورمیانه "خوانده و محکوم کرده اند. سوخت رسانی به کوروی جنگ یک لحظه نیز معطل نمائده است.

بقیه در صفحه ۲

## لرزش عرش عظیم

سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال گفته است برای تخفیف بحران موجود بین ایران و آلمان دولت "بن" باید رسماً "معذرت خواهی کند. دولت آلمان در برابر چنین درخواست مضحکی البته تسلیم نخواهد شد و اگر بشود جای کمال تأسف خواهد بود ولی در هر حال، این مسأله ای است مربوط به خود آنها. صلاح مملکت خویش خسروان دانند.

بقیه در صفحه ۹

## بی اعتنادهای به ارتش

یک خلبان ارتش ایران در گفتگویی با روزنامه "کیهان" (چاپ تهران)، از درگیری خود با چند هواپیمائی که به قصد بمباران شهری آمده بودند، سخن میگوید. در این گفتگو، ضمن شرحی از مصافی تا برابر، خلبان ایرانی می گوید بدان علت که سوخت هواپیمای او تمام شده بود، ناگزیر شد دست از ادامه مصاف بکشد و بر زمین بنشیند.

بقیه در صفحه ۹

## پیام نوروزی

### دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

بعمل می آوردیم، از اولین روزهای که تروریسم و گروگانگیری، بعنوان وسیله ای در روابط بین المللی تحمیل و معمول شد، با ارائه مدارک غیرقابل انکاری به دنیا گوش زد کردیم که تربیت و تجهیز تروریسم در سایه حکومت اله خمینی و در داخل مرزهای جمهوری اسلامی صورت می گیرد و بخصوص کشورها را از تن در دادن به خواست تروریست ها و باج خواهان، با ذکر عواقب شوم آن، بر حذر داشتیم.

بقیه در صفحه ۳

خواهران و برادران عزیزم، سالی که گذشت از نظرو قایع و حوادث غیر منتظره و تحولات سیاسی ناشی از آن، سالی برپا ریود. هر چند آزادی قلبی ملت ایران که آزادی وطن و پابیان فتنه، بلاخیز خمینی بود، عملی نگردید، ولی بلا تردید رژیم ضد ایرانی آخوندها به گسور خود نزدیک تر شد. همانطور که میدانید ما، گذشته از کوشش مداومی که از آغاز سلطه خمینی برای ایران، در زمینه معرفی ذاتا و وجودی حکومتش

## شکار ریشوها در بیروت

بدنبال ورود نیروهای سوری به بیروت، روزنامه گاردین چاپ لندن در شماره روز شنبه ۷ مارس خود نوشت: علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی نیز به خیل انتقاد کنندگان از سیاست سوریه پیوست.

بقیه در صفحه ۴

## از بهشت استالین

### تابهشت خمینی

یک نویسنده، شوروی کتابی خوانندگی در باره روزگار استالین نوشته است. وی در این کتاب می گوید: میلان نظری سوسیالیسم در طی دهه ها جا معسه سوسیالیستی را "بهشت روی زمین" تلمذ می کردند، و چون تبلیغات استالینی و نمودمی کرد که سوسالیسم در جا معسه شوروی صورت پذیر شده و تحقق یافته است نتیجه می گرفت که بس بهشت همین جا است که مردم شوروی در آن بسر می برند. ولی واقعیت زندگی در جا معسه آن روز شوروی همه چیز بود مگر بهشتی.

بقیه در صفحه ۱۱

## ایران گیت

### ادامه داره

ما برای ایران گیت و مسائیل مربوط به آن در دو هفته گذشته همچنان در آمریکا و مطبوعات جهان مطرح بود. رونالد ریگان، رئیس جمهوری آمریکا، در یک نطق تلویزیونی که چهارشنبه شب ۴ مارس ایراد کرد، برای نخستین

بقیه در صفحه ۴

بمناسبت ۲۹ اسفند روز ملی شدن نفت

چراغ مرده کجا

شمع آفتاب کجا در صفحه ۷

## تفال نوروزی ما

روز بهران و شب فرقت یار آفرشد  
آن همه ناز و تقسم که خزان میفرمود  
سگر ایزد که با قبایل کله گوشه گل  
صبح آید که بد متکلف پرده غیب  
آن پریشانی شبهای دراز و غم دل  
با ورم نیت ز بد عهدی ایام بشو  
ساقیا لطف نمودی قدحت پریمی با  
که بتدبیر تو تشویش خار آفرشد

در شمار ارچه نیسا در و کس حافظ را

سگرگان محنت بخت و شمار آفرشد

زوم این فال و گذشت اختر و کار آفرشد  
عاقبت در قدم باد بچار آفرشد  
نخوت بادوی و شوکت خار آفرشد  
گوبرون آئی که کار شب تار آفرشد  
همه در سایه گیوی نگار آفرشد  
قصه غصه که در دولت یار آفرشد  
که بتدبیر تو تشویش خار آفرشد

بقیه از صفحه ۱

اما این همه نه شگفت آور است و نه چندان خارق العاده، بعکس از مواردی است که می توان گفت: اگر جزا بین بودی عجب نمودی.

مگر طبیعت دلالی و سوداگری جزا بین است؟ تولیدکننده برای آب کردن متاع خود به هر دری میکوبد، با هر دستی که پیش آید، خواه دست شیطان و خواه دست فرستاده خدا، بیعت می کند و به هر شگردی که لازم می آید با زار است تن میدهد و با کش نیست اگر در پی هردا دوستی، صدها هزار آدمیزا دتکه و ذغال شوند، ملتی به عزا بنشینند، کشوری سرتا سر به برهوتی مبدل شود که آن چه با حساب او نمی خواند، حکایت "اخلاق" است. در منطق او "بودن یا نبودن" تنها در مدار سودآوری مصداق پیدا میکنند اگر "سود" متوقف شود، حیات متوقف شده است.

کارخانه ها با دیدگرند و قوی، ضعیف را ببلعد، این روی دست آن و آن روی دست این بلند شود و یکی لقمه ای دیگری را بقا بدو عرصه را تصرف کند و در این ماجرا گاه تب دستیا بی به صنم طلا به درجه ای میرسد که تصویر آینه ده نیز محو میشود و هیچ از گوشه خیالشان هم نمی گذرد که با دست خود دشمنی را باد میکنند.

قریب نیم قرن پیش، وقتی را یشتاک به آتش مسخ شدگان نازی فرومی ریخت و زمین زیر پای جانوران بیچاره سیاه هیتر می لرزید، چه بسا از سیاست بازان غرب در خواب بودند و چه بسا از شان بیکدیگر شادمانی می گفتند که در وجود یک دیوانه ی زنجیر گسته، باطل السحر بلیشویسم را جستانده، غافل که به ده سال هم نخواهد کشید که غول از شیشه ها خواهد شد و اولین تحفه ی مرگ را برای خود آنها بسته بندی خواهد کرد.

تاریخ تکرار میشود ولی گویا کمکی به بیداری نمی کند.

صیادانی که چهل سال وانندی است با پشتکار و وسواس، تیهکاران نازی را رد میگیرند و بدام میاندا زند (و حق هم دارند)، بی معنا نبود اگر در عین حال چشمها را باز میکردند و میدیدند در دست بهمان سیاق که خالق اردوگاها ی مرگ و کوره های آدم سوز در آشویتز و تریلینکا و داخائو و مای دانک پرورده شد، امروز در ایران مصیبت زده یک دیوانه ی خونریز پروبال میگردد فقط به این دلیل که در کیسه دلار دارد و دهان سوداگران مسرگ را آب می اندازد.

این ها نقل حوادثی است که بیعت تکرار دیگر محملی برای تعجب باقی نمی گذارد، اگر از جیبی باید گفت آن حال و وقسال مردمانی است که اینهمه را نه یکبار و دوبار که دهها بار در مرتن زندگانی خود تجربه کرده ولی همچنان چشم به عنایت دستهای غیبی و "خواجگان بی مسروت دنیا" دوخته اند و هرگز نخواسته ویا نتوانسته اند به خود حالی کنند که در این ماجرا صیغهی برادری در کار نیست، اصل سواری گرفتن و دوشیدن است و از آنها که بر این "اصل" گردن می نهند حق نالییدن و غریبن سلب میشود و گرنه به خود می گفتند وقتی که جیر شدی باید قوا عدا جواره را

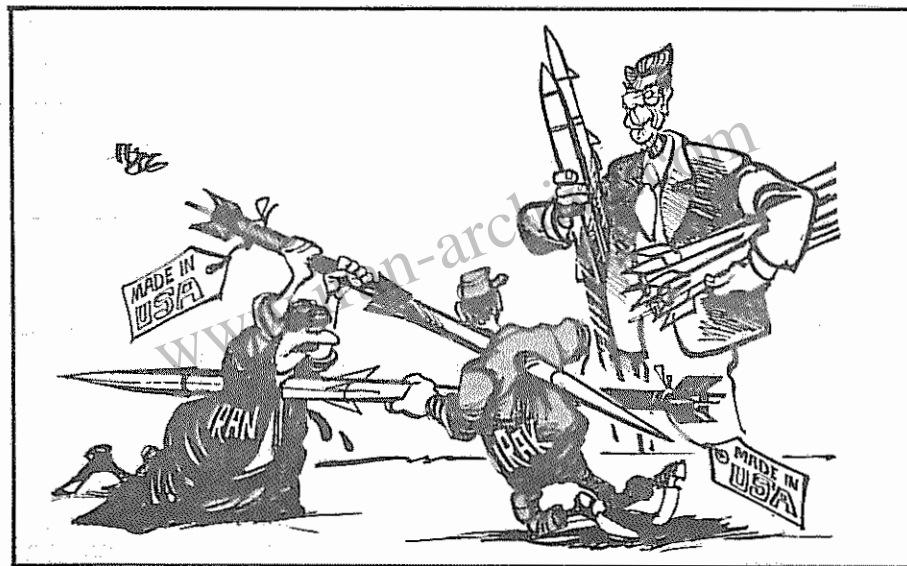
## صدایی از درون ایران باید

کالی وارداتی نیست و هیچ دستی جز دست خودی چاره گر نخواهد بود دل سپردن به عنایت غیر، امید بستن به سرباست. حوادث این روزها منطق این اعتقاد را کفایت می کند که متولیان حقوق بشر اگر نه همه، لاقط گروهی هیچ از آن روضه خوان دغل باز یگر کم نندارد. "حقوق بشر" در قلب آنان در فصل های خاص عود میکند و در فصل ها ئی چنان خاموشند که گوئی قرن ها است مرده اند. صدها انسان را بی محاکمه و حتی بی پرس و جو به رگبار مسلسل می بندند، آب از آب تکان نمی خورد و آن هنگامی است که بیداری و اعتنا با ب "بازار" نیست.

۲ - ایمان به این حقیقت که در وجود

تحمل کنی که از آن پس ما حب اختیار ارباب است، امروز تورا میخواد و تورا که از زکا را فتادی و بی مصرف شدی دیگری را بخدمت میگیرد. مثال ما رکوس ها که در قله های آقائی عاریتی خود قا عده را گم کرده اند، بیبوهه می غرندومی نالند، که کارنامه ی خدمت در این سودا به پیشی نمی آرد. البته این اصل در جاسائی شکستنی است. آن جا که ملتی آگاهانه معادله ی آقائی و بندگی را بشکنند و مراقبت کنند که ما جرای جا و چاله تکرار نشود و شرط "آگاهی" در واقع ضمانت برهیز زدا میا و بنیرنگها است.

ملت ایران بنا بر حقیقی قیام کرد ولی این "شرط" بزرگ را فرو گذاشت و سرانجام



یک پایش هنوز در جا له بود که پای دیگرش به جا رسیده بود.

آری مراقبت در این راه، مأمونیت از مهلکه است. مولانا عبید در حکایت کوتاه خود چه هوشمندان این واقعیت را نقل میکند:

" درویشی گیوه در پانما زمی گذارد، دزدی طمع در گیوه ای اوبست، گفت: با گیوه نما زنیاشد، درویش دریا فت و گفت اگر نما زنیاشد، گیوه با شد."

این دزد کمین نشسته را ملت ایران ندید و بود و نبود خود را به چنگ او انداخت. این مراقبت، اول قدم در سفر بیروزی است ولی تنها قدم نیست.

ملت ایران در کوره ی پرمصیبت زندگی، وجدان خود را صیقل زده است، بحکم تجربه ناکس را از کس تمیز میدهد و بیذیرفته است که به بزرگها و نقابها اعتماد دنیا ید کرد، آگاه شده است که ابلیس آدمرو فرسوان است، به چشم خود دیده است که روضه خوان هفت خطی که با یک افسانه ی کهنسال هزاران باراشک می باروداشک میگیرد، در شقاوت و سنگدلی تالی ندارد. اما این همه، همان قدم اول است.

نجا تکبیک "اعتماد" و بیک "ایمان" و سرانجام به "تکا پوئی" نیا زدارد که خواهنا خواه به ایثار و فداکاری آمیخته است.

۱ - اعتقاد به این واقعیت که آزادی یک

اندر زورا همنامی میخواد نیمومی شنویم که "فلان" چرا بر نمی خیزد و با در کاب نمیکند - که تاء مل جا یز نیست - که وقت میسوزد - که ملت بی چوبان است - که چرا غذا رمی خواهد - که "ساعت موعود" میگذرد. سخن از نفسی " ضرورت رهبری " و "مقام های" نیست که این حاجت ظاهرا تا از بشریت ناموشانی هست، برجای خواهد بود. سخن در باره ی "نگاه" به دنیا و احوالی است که از دنیا ی قبیله ها و روزگار سرداران کشورگشایان است فاصله گرفته است. روزگار ما با روزگار نادرشاه سمعیل و آغا محمدخان بیگانه است که عنصر توانائی از قبیله ای برمیخاست و اهل قبیله را بحکم تعلقات خاص خود، چشم بسته بدنبال میکشید و سروری می یافت.

بنظرمی رسد که در تاریخهای درسی، آنقدر برای ما تاریخ را دروچ شود "سرداران" خلاصه کرده اند که گروهی از تحصیل کردگان ما نیز چه بسا در نهایت صدق و دلسوزی، وقتی به راه هجوئی می نشینند معیارهای زمان را گم می کنند، از یاد می برند که به آستانه ی هزاره ی سوم رسیده ایم و دراک ملی جانشین قوا عدقیله ای شده است.

بتکرار بگوئیم، ابراد بر سر طلب رهبر و رهبران نیست که این حاجتی بی گفتگو و بی چون و چرا است. حکایت از این است که در این روزگار ظهورها دیور رهبر به اصول میرائی و احکام قبیله ای وابسته نیست.

دردهن آن تیغ زن جسور افشاری که در پشت نا در میفریدومی تا زید هرگز سئوالی از این قبیل نمی روئید که: " نادر ما بکجا میبرد؟" چشم بسته و بنا بر حکم قبیله، سرنوشت خود را به سرنوشت

او دوخته بود. مسئله ی نجات ملی، از مسئله ی قوا عدسربا زخا نه ها و اطاعت

کورکورانه زما فوق نیز جداست در این روزگار رعنا صری به کنگره های هدایت ملی راه می یابند که در مرتن زندگی ملی نشوونما کرده و با آزمایش های بی دریغی توانائیها و در عین حال تطابق خود را

با آلمان های ملی نشان داده اند. عصر ما عصری نیست که دیهیم را بالای شکم ما در بار داری بسا ویزند و در انتظار تولد "رهبر" روز شماری کنند. عصر ما عصری است که رهبران باید در کوره های سخت

آزمایش قابلیت های خود را به مردم تزریق کنند و تصدیق ملی را بدست آورند و این امری نیست که به تصنع و دلخواه این و آن واگذار شود و خلاصه زما نسه ای است که گرهی بدندان نسا در قلسیها گشوده نخواهد شد.

درد بزرگ ملی در سالیهای پیش از طوفان مرگ این بود که مطالباتی داشتیم سا زگار با عوالم مروزه آزاد و عدالت میخواستیم ولی از بازاریان طلب یعنی " فرهنگ تشخیص " محروم بودیم. ناکسی چون خمینی ظاهر شد و طلب ملی را بسا شاعرهای دلپذیر ملی قا پید و آنچه نباید روی دهد، روی داد. در حال و هوای امروز که مردم به مقیاس بزرگی (متا سغانه

ملت ها (و تفاهوت نمی کند کوچک یا بزرگ) آن جوهر توانائی هست که معادله ی جبر را بر هم زدن و پیداست که جوش چنین ایمانی مستلزم غلبه بر تلقین هائی است که اسارت را جانداخته است، کاری که بی تردید از توانائی موجوداتی که خود چرخ و دنده ی اسارت را جور کرده اند، ساخته نیست. چرا که آنها زندگی را جسر در

چهار دیوار وابستگی نشاناخته اند. ۳ - سرانجام، نجات نیا زمندان تکا پوئی است که متا سغانه در اوضاع و احوال کنونی، بی تحمل قربانسی و بی حضور در میدان ایثار و جان بسازی

میسز نیست. مقابله با دشمنی مطرح است که تا دندان مسلح است و در بیسی رحمی و سفاکی مرزی نمی شناسد و با کش نیست اگر برای دوام قدرت

( حتی به روزی هزاران آدمیزاد را یکجا به کام آتش و مرگ حواله دهد. بی پورده باید گفت فهم این "نیا زها" منحصراً به مردمانی دست میدهد که بر ارزش های ملی و حقوق ملت و ضرورت دمکراسی واقفند و " طمع " از عطاء اجنبی بریده اند و طبعاً " دنیا را در چشم اندازهای مروزی مشا هده میکنند. بر این حرف آخر، توضیحی لازم است.

این روزها گاه بنا مدلسوزی و گاه در قالب

بقیه از صفحه ۱

منا سفا نه دولتمردانی که بایستی مسئولیت خود را در برابر این پدیده توطئه‌سور و خطرناک بدرستی تشخیص می دادند، به علت عدم درک واقعیات و بی‌ملاحظیات انتخاباتی و غیره، بی‌محابا قدم در این راه بی‌انتها گذاشتند، اما دیری نگذشت که به قیمت پرداخت تاوان گزاف ضعف و سادگی خود، بروی واقعیت تلخ چشم گشودند و به روشنی دانستند با حکومتی که قدرتش را در داخل برپایه‌های اختناق و سرکوبی قرار داده است و در خارج از مرزها، از تروریسم و گروه‌های ننگیری بعنوان وسیله عادی پیشبرد اهدافی آسویگرانه و توسعه طلبانه استفاده می‌کند، به هیچ عنوان نمی‌توان کنار آمد.

نتیجه آنکه امروز حکومت ملایان، گذشته از گرفتاری مشکلات عظیم داخلی حاصل از جنگ و ناتوانی در مقابله با مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه جنگ‌زده در صحنه بین‌المللی از همیشه منزوی‌تر و منفورتر است به طوری که حتی سران دو سه کشور کم‌اعتباری که به اقتضای وقت و بختا طرمنافع خاصی، دم‌زاتحاد دوستی با جمهوری اسلامی می‌زدند، برای حفظ موقعیت خود، یکی بعد از دیگری، از آن فاصله می‌گیرند.

به پیمای‌های آقای خمینی و سران رژیم که به ضرب و زور را دیووتلوژیون به گوش و چشم شما تحمیل می‌کنند، کمی دقت کنید. آنچه پیش از هر چیز در این پیمای‌ها می‌آید و به فراتر تکرار می‌شود، لاف ثبات و استحکام رژیم است. آیا یک رژیم ثابت و مستحکم محتاج این همه تاءکید

پیام نوروزی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

مکرراست؟ تصور نمی‌کنم لازم باشد به شما، ملت هوشمند ایران، یادآوری کنم که منظور از این اصرار و ابرام، از یک طرف تقویت روحیه ایادی حکومت است که در برابر کوه مشکلات و مقاومت پایدار اکثریت مردم، با یه‌های قدرت خود را متزلزل می‌بینند، و از طرف دیگر مقصود، تضعیف روحیه شماست که از پیروزی قطع امیدکنید و دست از مقاومت و مبارزه بردارید.

هموطنان عزیزم، در این لحظات که سالی دیگر را همچنان در میان غرش توپها و باران و فضاگراب مداوم بمبارانها، شروع می‌کنید، خود را بیش از همیشه به شما نزدیک احساس می‌کنم. آنی از یادها و رنج‌ها و دردها یثان و چاره‌جویی برای رفع آنها، غافل نیستم. می‌خواهم به شما توصیه کنم که سال را با اراده، راسخ مبارزه با جنگ آغاز کنید و بیاد داشته باشید که جنگ، شیشه عمر رژیم است. مبارزه با جنگ مبارزه با حکومت جهنمی آخوندهاست. آقای خمینی و اعوان و انصارش در طول این سالها که مدها هزار جوان و نوجوان ایرانی در سرزمین نیگا ته به خاک و خون غلتیده اند و شهرهای آباد ما به ویرانه‌هایی تبدیل شده است، بارها گفته اند و تکرار کرده اند که جنگ، نعمت و برکت است. من از نعمت سواستفاده‌هایی که دست‌اندرکاران

فاسدرژیم در مملوهای قاچاق اسلحه کرده اند و سرا آنها به مرور فاش میشود می‌گذرم، چون نعمت اساسی جای دیگری است: نعمت عمده، بقای رژیم است که از برکت جنگ بوده است. نعمت برای آنهاست که از برکت جنگ حکومتشان دوام گرفته است، نعمت حکمرانی برای آنها و آتش و خون و عزای عزیزان و قحطی و بیکاری برای شماست. به قوت اراده و تصمیم، نعمت و برکت جنگ را از آنها بگیریم تا چراغ وجود منوشتان خاموش شود.

بخصوص از شما می‌خواهم که نگذارید آخوندهای حاکم سلخ امیدوار اعتماد به آینده روشن را از شما بگیرند و عزم شما را در مبارزه سست کنند. آنها در برابر اراده شما چیزی نیستند. بهترین شاهزادگونی رژیم در مقابل شماست ملت، با برجائی سنت باستانی نوروز است. به حافظه خود رجوع کنید و بیاد دارید که در آن زمان که بهانه جنگ هم نبود ملایان حاکم تمام گوش خود را مصروف تخفیف و تحقیر عید نوروز و با زدا شدن شما از بزرگداشت این سنت ملی می‌کردند، آن را جشن کافران و جنبیان و آتش پرستان می‌خواندند. ولی در مقابل اراده و عزم استوار شما به حفظ آداب و سنت‌های ملی، با مذلت عقب نشستند. تا آنجا که امروز خمینی و سران حکومتش، خودشان، بمناسبت نوروز - هر چند بدون ذکر نام نوروز به عنوان آغاز

چندمین بها را انقلاب - به شما پیام می‌فرستند.

من به شما اطمینان می‌دهم، که عمر نکبت با جمهوری اسلامی روبه‌پایان است. دل قوی دارید و به فرزندان خود یادآوری کنید که ملت ایران در طول تاریخ شرف‌های حوادث بسیاری را از سر گذرانده و هر بار با رجوع نوروز تا بنده، از اعماق شب‌سایه و سرد زمستانی سر بر آورده است.

ما را در این مبارزه که به مراحل نهائی نزدیک میشود بیاد دهید و بیاد داشته باشید که ما، در عین اینکه میدانیم اما دگی امروزی محیط بین‌المللی در موفقیت‌مان مؤثر خواهد بود، چشم امید برای نجات کشورمان به دست‌های سخا و تمندنا رچی ندوخته ایم و هیچگاه، نه آن موقع که خمینی، آمد و شد دلالت قاچاق اسلحه را به حساب قدر و اعتبار و قوت و قدرت رژیم می‌گذاشت و بسیاری به این ملاحظه خود را سخت باخته بودند، و نه امروز که دنیا به بروی واقعیت چشم با زکرده و یک بسیج عمومی جهانی برای مقاومت در برابر بردولت‌های تروریست پرور در شرف انجام است، هیچگاه در مبارزه با این رژیم فدا بیانی تردیدی به خود راه نداده ایم و تا حصول نتیجه، یعنی آزادی ایران، التیام زخمها و فایعات حکومت آخوندی و برقراری رژیم ملی‌انسانی بر اساس حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی، لحظه‌ای از پای نخواهیم نشست.

نوروزمان پیروز باد.

ایران هرگز نخواهد همدرد.

نوروز ۱۳۶۶

صدایی از درون ایران باید

بقیه از صفحه ۲

به بهائی‌سنگین ( به آگاهی‌های بسیار دست یافته اند، حکم سرنوشته منحصرا در صحنه‌های درون مرزی رقم خواهد خورد که البته این به معنای نفی تلاش‌های بیرون مرزی نیست بلکه تنها به مفهوم ضرورت سنگین و سنگین تر ساختن وزن مبارزات ملی در میدان اصلی یعنی ایران است. در این شرایط آن عنصر رهبری که نگاه را از عنایت اجنبی کننده و برارزش‌ها و توانا ثیهای ملت نشانداده است، میدانند که حلال مشکل، "بسیج آگاهانه‌ی" ملت است. میدانند که عامل کار سازنده ایران است، میدانند که اگر ملت با یک سازماندهی هوشیارانه ظرفیت‌های خود را تشخیص دهد و علنا در میدان ظاهر شود همان اجنبی بسند با زحما بگرسود جو مقنا و مست ملی را تا ب نخواهد آورد و این واقعیتی است که در همین سالهای جاری، این جا و آنجا با رها و بارها تجربه شده است.

اگر فرصت طلبانی ناشیانه در جنگ‌های وحوش اسلامی به جستجوی "اعتدال" برآه افتاده باشند تنها آن زمان که با ملتیی قانم و بیروشنو خط خود را تغییر خواهد داد. ملت ایران امروز تمام شرایط

بسیج و تجمع را با خود دارد و در برابر این معرکه‌ی جنایت و خون و آشوب با بغض و نفرت ایستاده است آنچه لازم است " سازمان هدایتی " است که این بغض و نفرت را به اراده و حرکت تبدیل میکند و این امری نیست که از عهدی نا درها برآید تا قبیلدهای را چشم بسته بدنیال کشند و چون به حادثه‌ای کنا رروند، جوش‌ها دوباره سرد شوند. حکایت، حکایت، "یک ملت" است که در زیر پتک حوادث هر چه زودتر دست داده، وجدان و قدرت تمیز خود را با زیا فته است. رهبری آرموده و مروزی میدانند که کساری بدان گونه‌سزا و راست که در فاش مبارزه در صفوف ملت برآفته‌ها ندند، اینکه وقتی یکی فرود افتاد دهمه چیز فرو افتد. فلسفه‌ی نبرد سازمان یافته را در این نکته باید یادخواند.

با این حساب، بخلاف آنچه بعضی تبلیغ کرده اند، فصل انتقال همه فرصت‌ها و امکانات به سازمان دهی درون مرزی همین حال است. و البته از این پس دیر خواهد شد اگر تا خبری روی دهد و چرا حالا؟ سالهای از این ۸ سال سیاه، دشمن

بفریب و دروغ، بسی از مردم را در دام خود حبس کرده بود. هنوز هم بیاد از قلیتی گفت که با همه تیره بختی‌ها طلسم شده باقی مانده اند و بهر حال زمان، اثر خود را گذاشته و پدیده‌های نیرنگ را یکی پس از دیگری دریده است. امروز اکثریت قاطع ملت ( و فریب‌دها اتفاق) جوهرسنا با کاین رژیم را شناخته است. حالا است که احساس میکند که اگر نجنبید، پاک باخته است و حالا است که این احساس با به تصمیم و قدرت بدل شود و حالا است که دیگر تاء خیر و نیست، بی‌دیریم که اگر مدائی از درون ایران بگوش رسد، توطئه‌ها در هم خواهد شکست و قبول کنیم که هیچ تظا هر حرکتی جایگزین تظا هر حرکتی نیست که در قلب میدان می‌جوشد و از تسلیم‌نا پذیری روایت میکند. در این باره هنوزنا گفته‌ها بسیار است.



هم‌میهنان عزیز  
هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.  
۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ یاریس

تهدید تروریستی

سا زمان تروریستی عدالت انقلابی‌ان، شبیه شب، چها ردمما رس اعلام کرد که "ان لویی نورماندن"، گروه‌گان فرانسوی را به محاکمه کشیده است و حکم عدا موی را چهل و هشت ساعت دیگر در خواهد کرد. پیش از آن، بنحیثیه دو زده‌ها رس، این سازمان اتما محجت کرده بود که اگر ظرف چهل و هشت ساعت از ک شیرا که نخست وزیر فرانسو، دربارو، مفهوم سخنان فرانسوا میتران، رئیس جمهوری این کشور، مبتنی بر ادا مه تسلیم عراقی و خودداری از مقابله با تروریسم و دولت‌های تروریست پرور، توضیح ندهد، نورماندن، نورپروردان تلویزیون کانال دو فرانس را اعلام انقلابی خواهد کرد. دولت فرانسو در پاسخ به تمام محجت سازمان یا دشده، ضمن تاءکید بر ادا مه سیاست فدرالیستی خود، بسا قاطعیت و پشتکار از سازمان عدالت انقلابی خواست از کشتن "نورماندن" خودداری کند و همزمان بسرتلاش‌های دیپلماتیک خود در تهران، دمشق و بیروت افزود. دوشنبه ۱۶م رس همزمان با بسته شدن آخرین صفحات قیام ایران، گزارش رسید که شیخ محمدحسین فضل‌الله، رهبر روحانی حزب الله لبنان سا زمان انقلابی را از کشتن "نورماندن" بر حذر داشت و گفت بی‌گناها ننیاید تا ان اختلاف‌های میان دو کشور را بپرورد. در این میان، "ان بیروشنو مان"، وزیر پیشین آموزش و پرورش از حزب سوسیالیست فرانسه، گفتا که اتفاقا برای "نورماندن" رخ دهد، رژیم تهران را با بدمشول دانست و "میشل دبره"، نخست وزیر پیشین و نماینده مجلس ملی فرانسه اعلام کرد که اگر نورماندن به قتل رسد، فرانسو با بدی درنگ و ابطن را با رژیم تهران قطع کند.



ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

شکار ریشوها در بیروت

بقیه از صفحه ۱

به نوشته گاردین با زکشت ارتش سوریه به بیروت و به ویژه کشتار حدائق ۲۳ تن از حزب اللهی‌های هوا دار رژیم تهران، سبب تنش تازه‌ای در روابط تقریباً تیره دو کشور شده است.

خامنه‌ای در سخنرانی نماز جمعه روز ۶ مارس، مانند دیگر مقامات رژیم تهران کوشید تا حافظاً و سوره‌ها را از ما جرای مبری سازد. وی گفت ما اعتقاد داریم که عمل چندسریا زسوری ربطی به دولت سوریه ندارد بلکه یک تصمیم فردی است. اما نگرانی ما از آن است که این حوادث حیثیت سوریه را که همواره در خطوط مقدم جبهه در مقابل صهیونیست‌ها ایستاده است مخدوش کند و از اعتبار سیاسی سوریه بکاهد. از همین روستا تا عمان اسلامی از سوریه خواسته است تا عاملان کشتار را بد مجازات برساند. خامنه‌ای گفت: این حزب الله بود که «خیسرا» کاری ترین ضربه‌ها را به نیروهای صهیونیستی و استکباری وارد آورد.

وی با اشاره به این که گویا سوریه در نظر داند نیروهای هوا دار جمهوری اسلامی را خلع سلاح کند و شاید تا آنجا پیش رود که منطقه را از وجود آنان پاکسازی کند.

بقیه از صفحه ۱

با پذیرفتن که تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی به منظور تاءمین آزادی گروگانها بوده است و این عمل را یک خبط نامید. ریگان در نطق خود با ردیگرتا کیدورزید که در جریان انتقال وجوه دریافتی از جمهوری اسلامی به فدا انقلاب نیکا را گوشه نبوده است، اما به عنوان رئیس جمهور جمهوری همه مسئولیت آن را بر عهده گرفت. رئیس جمهوری آمریکا تعهد کرد که برای رفع بحران اعتمادی که از سه ماه پیش، ریاست جمهوری وی را بشدت تهدید می‌کند، به یک سلسله اصلاحات و به رفت و روب در کاخ سفید دست بزند و تیم جدیدی به ریاست "هوارد بیگر" را در کاخ سفید به کارگماشته است.

ریگان که به گزارش انتقال آذمیسیون کمیسیون "جان تاور" پاسخ میداد که هفت روز پیشتر انتشار یافته بود، به طرز غیر مستقیم پذیرفت که اشتباه از خود وی ناشی شده است، اما به رغم توصیه‌ها را یزنان خودا زملت آمریکا پسوزش نخواست.

"رونالد ریگان" در نطق خود تمسبیق کرد که نگرانی اش برای سرنوشت

گفت: "زمزمه خلع سلاح نیروهای مؤمن در بیروت غربی یا ناحیه جنوبی که این برادرها بیشتر در آنجا هستند، زمزمه خطرناکی است. اگر سلاح را از دست این جوانان مؤمن و مبارزان زلبنانی بگیرند، در مقابل اسرائیل چنانچه حمله کرد چه کسی دفاع خواهد کرد؟" روزنامه گاردین که بخش‌هایی از خطبه نماز جمعه خامنه‌ای را نقل کرده است، نوشت: باید دانست که همه نهادها در دوران خاکمیت اسلامی تا این حد محتاطانه سخن نگفته‌اند. روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب جمهوری اسلامی، به سوریسه هشدار داد که بهتر است دوباره به ایمن واقعیت بیندیشد که چرا تا دیروز آمریکا و اسرائیل میخواستند سوریه نیروهای

خود را از لبنان بیرون کنند و امروز برای حضور نیروهای سوری در لبنان کشف می‌زنند.

علت آن است که آمریکا و اسرائیل میخواستند سوریه را از راه راست منحرف کنند و به اردوگاه ارتجاع بکشانند.

این روزنامه‌ها و نیز گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر آنند که باید احساسات جمهوری اسلامی را به سوریسه تفهیم کرد و معتقدند سکوت وزارت خارجه جمهوری اسلامی، در میان گروه‌های پیشرو و ضد صهیونیست منطقه دلسردی ایجاد کرده است.

در میان انتقادکنندگان از سوریسه، مهدوی کنی، نخست وزیر سابق جمهوری اسلامی که اکنون دبیرجا معروفا نیست مبارزات فریاد بلندتری دارد. وی با اشاره به گذشته شدن ۲۳ حزب اللهی گفت: این شهادت دردناک دل مسلمانان جهان را خون کرد. آیا حزب الله نبود که اسطوره قدرت غرب را درهم شکست و مائین جنگی پنتاگون را خرد کرد؟

از سوی دیگر عصر جمعه ۶ مارس، علی اکبر محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی و سفیر پیشین رژیم تهران در سوریه، وارد دمشق شد و مورد استقبال محمد غنایش وزیر کشور سوریه و حجت الاسلام محمد حسن اختری سفیر فعلی جمهوری اسلامی در دمشق قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، محتشمی بدنبال دیدار سه روزه خود از دمشق اعلام کرد که در ملاقات روز یکشنبه خود با حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، درباره مسائل لبنان نیویورک وضعیت حزب الله مذاکره کرده است.

محتشمی گفت انگیزه سفرش به پایتخت سوریه جنگ در اردوگاه‌های فلسطین و زدوخوردهای شدید حزب رقیب در بیروت بود که به اجرای طرح‌های امنیتی سوریه و قتل گروهی از مبارزان حزب اللهی منجر

بقیه در صفحه ۵

ما جای ایران گیت را بر عهده دارد چند عضو سابق دولت ریگان را که به احتمال فراوان پوین دکستر والیورنورث هستند، تحت تعقیب قرار دهد. در ایمن میان، مورین ریگان، دختر پریزیدنت ریگان که ریاست کمیته اجرائی حزب جمهوریخواه را بر عهده دارد طی یک مباحثه مطبوعاتی در کاخ سفید اعلام کرد که در ایادار پوین دکستر و سرهنگ نورث چون نظای میانی هستند که به فرمانده کل قوا، یعنی رئیس جمهوری آمریکا، دروغ گفته‌اند باید محاکمه شوند.

اما به رغم اظهارات مورین ریگان، روزنامه‌ها و شگفتن پست نوشت که در ایادار پوین دکستر سال گذشته دوبار پریزیدنت ریگان را از اجرائی ارسال بولهای حاصل از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی برای شورشیان نیکا را گوشه آگاه ساخت. از سوی دیگر عدنان قاشقی میلیاردر سعودی، طی مباحثه‌ای با هفته‌نامه اشترن اظهار داشت که قرار بود بخشی از سود ناشی از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به حساب "میانرو" های رژیم

بقیه در صفحه ۱۱



پاک سازی بیروت از تصویب‌های خمینی: یک کارگر لبنانی، روی یکی از تما ویرخمینی را که آتش رگلوله بر آن دیده می‌شود، با رنگ می‌پوشاند.

ایران گیت ادامه دارد

خود درس میگیرد و کارها را سامان می‌بخشد. رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۹ مارس از کمیسیون تحقیق مجلس سنای آمریکا خواست که با اعطای مصونیت حقوقی محدود به در ایادار پوین دکستر و سرهنگ والیورنورث اعضاء مستعفی و اجرائی شورای ملی امنیت آمریکا که تا ملاقات اصلی ما اجرای فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی هستند، آنها را حاضر به ادای شهادت کنند تا نکات تاریک ما جای ایران گیت روشن شود.

ریگان اضافه کرد چنانچه شواهدی خارج از چهار چوب شهادت پوین دکستر و نورث علیه آنان بدست آید تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

روزنامه نیویورک تا یمن نیز نوشت که ممکن است "لارنس والش" دادستان مستقلى که ما موریت تحقیق پیرامون

گروگان‌های آمریکائی، نیسروی بینا نشانی را سلب کرد و مانع از آن شد که اعمال نزدیکان و محارم خود را در کاخ سفید، از نزدیک کنترل کند. ریگان گفت در این مورد ویژه، سبک مدیریت اش که در گذشته کارآئی و کار سازی خود را نشان داده بود، مایه ناکامی وی شده است.

ریگان که رسانه‌های آمریکائی بارها به ضعف حافظه اش اشاره کرده‌اند، همچنین پذیرفت که به یاد ندارد آیا صدور نخستین محموله جنگ افزارا زسوی اسرائیل به جمهوری اسلامی را که در پایان سال ۱۹۸۵ انجام گرفت، قبل از این تاریخ تایید کرده است یا بعد از آن.

ریگان اظهار داشت کسی، به سن و سال من، پیدا است که مرتکب خبط‌های متعدد شده است، اما چنین کسی از خبط و خطاهای

بقیه از صفحه ۴

## شکار ریشوها در بیروت

ورود نیروهای سوری به بیروت ابراز نگرانی کرده اند. علت نگرانی آنها عدم موفقیتشان در اجرای نقشه های مشکوکشان بوده است.

"سوریه نگران وحدت لبنان، عربیت آن و تمامیت ارضی این کشور است. وحدت ملی تنها راه حل مسائل لبنان است و این راه حل باید از سوی لبنان تعیین شود."

وی در جای دیگر از سخنرانی خود بار دیگر تائید کرده که سوریه پشتیبان تمام لبنانی ها است که به وحدت و عربیت لبنان پای بندند.

حافظ اسد همچنین گفت به هیچ عنوان بین منافع سوریه و این که لبنان نقش عربی و بین المللی خود را با زیادتی و تفاوتی وجود ندارد.

در این حال به نوشته مطبوعات بین المللی و گزارش های حزب اللهی های لبنان، سوریه فشار خود را بر بنیادگرایان اسلامی افزایش داده است.

هفته نامه "الاحد" یکی از نشریات حزب الله لبنان که انتشار آن از سوی نیروهای سوری ممنوع اعلام شد و لسی مخفیانه منتشر میشود در شماره روز جمعه ۶ مارس خود بشدت از سوریه انتقاد کرد و نوشت:

نیروهای سوری در مرحله مسلمان نشین غرب بیروت مردان ریشووزنانی را که حجاب اسلامی دارند و هر کسی را که نسخه ای از مجله "الاحد" همراه داشته باشد، دستگیر میکنند. "الاحد" اظهار

تعجب کرده که نیروهای سوری بجای برقراری نظم و امنیت در غرب بیروت چرا به از بین بردن نهادهای اسلامی پرداخته اند. سوریه علاوه بر مجله "الاحد" انتشار مجله "الشرع" و یک نشریه دیگر حزب اللهی را نیز ممنوع ساخته است.

از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری فرانسه از روزیکشنبه ۸ مارس در بیروت غربی پا کسای دیوارها را از عکس های خمینی و دیگر رهبران حزب الله و شاعرهای آنها آغا زد.

در این حال "امین جمیل" رئیس جمهوری لبنان طی تلگرام تبریکی که به مناسبت بیست و چهارمین سال بقدرت رسیدن حزب بعث سوریه برای حافظ اسد مبارک بود از کمکهای سوریه ابراز رضایت و خرسندی کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، بنیادگرایان اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی از روزیکشنبه ۸ مارس، لحن خود را نسبت به سوریه خشن تر کردند و هشدار دادند که نیروهای سوری حق ورود به حومه شیعه نشین جنوب بیروت را ندارند.

آیت الله عمید زنجانی عضو هیئت همراه سفیر جدید جمهوری اسلامی در لبنان، نیز روزیکشنبه در نطقی که در شهر "صور" در مرز سم با دیوکشته شدن ۲۳ حزب اللهی را ذکر کرد گفت: "ما بخوبی به نقشه های سوریه و امپریالیسم آگاه هستیم، اما نمی خواهیم زردارانتقا م جوئی وارد شویم."

سردهوت کرد و اظهار داشت جمهوری اسلامی تمامی روزنامه ها و همچنین رادیو خود را در اختیار حزب الله قرار می دهد.

\*\*\*

رئیس جمهوری سوریه، روزیکشنبه ۸ مارس برای نخستین بار درباریه ورود نیروهای سوریه به بیروت علنا اظهار نظر کرد. حافظ اسد اعلام کرده هدف از دخالت سوریه در بیروت بازگرداندن وضع عادی به لبنان است.

اسد که به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد به قدرت رسیدن حزب بعث سوریه، در دانشگاه دمشق سخن می گفت، اظهار داشت: "دخالت سوریه در بیروت غربی پاسخ به مآثر موریته ملی، انسانی و برادرانه است که هدف آن برقراری امنیت و بازگرداندن زندگی عادی است."

حافظ اسد افزود: "ما در عین حال از این که پاره ای اشخاص در خارج از لبنان از

ازبسیاری نشانه ها چنین برمی آید که رژیم خمینی به ایران لبنانی خود فها نده است که اگر قصد مقاومت در برابر ارتش سوریه را دارند، منتظر کمک تهران نباشند.

این دلیلی روشن دارد، سوریه نه تنها مهمترین همیمان رژیم تهران است، بلکه هر چند از روی مصلحت، یگانه همیمان است که به آن در جنگ علیه عراق کمک های بسیار رسانده است. و اکنون رژیم تهران که ظاهرا "سیاست خارجی آن را با دید ملاحظاتی عقیدت تعیین کند، سبک سنگین کرده و سنجیده است که همدلی با حزب الله و یاری عملی به آن، به قیمت از دست دادن سوریه یا درگیر شدن با آن نمی آرد.

از سوی دیگر حافظ اسد، به لحنی که جای هیچ سوء تفاهمی باقی نمی گذارد، به رژیم تهران فها نده است که هیچ علاقه ای ندارد نفوذ خود را در لبنان با حلاصا تقسیم کند، البته برای نخستین بار نیست که حافظ اسد تعلق خود را به عربیت بروزی دهد، ولی تاء کیدا وبر "وحدت، تمامیت و عربیت" لبنان فقط می تواند جمهوری اسلامی را نشان گرفته باشد.

برای اینکه هیچ نیروی جز رژیم اسلامی نیست که می خواهد وحدت، تمامیت و عربیت لبنان را به خطر ناند.

در خورتوجه است که حافظ اسد بر همه چیز لبنان تاء کید می کند جز برای سلامی بودن آن، حال آن که کارگزاران رژیم تهران جز برای سلامی کردن لبنان، آنهم زهمان نوعی که اکنون در ایران وجود دارد، اصراری ندارند.

لبنان، چنان که تقریبا "همیشه" سیاستمداران آن می گویند، به سبک آراش سراسری نیا زدارد، از اینرو در آینده ای در خور پیش بینی خلع سلاح حزب الله با پدر همه جای آن عملی شود.

روزشنبه ۷ مارس همراه با هیئت متشکل از آیت الله احمد جنتی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو مجلس خبرگان، علی غیوری نماینده خمینی و حجت الاسلام حسن ابراهیمی نماینده حسینعلی منتظری وارد بیروت شدند. سوی حزب اللهی های لبنان مسورد استقبال قرار گرفت، یکی از رهبران مذهبی حزب الله لبنان که گویندگی مراسم استقبال را برعهده داشت ورود این هیئت را تاریخی خواند و آن را به مراسم ورود خمینی به ایران تشبیه کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه حزب الله لبنان طی بیانیه ای که روزیکشنبه ۸ مارس منتشر کرد اعلام داشت که آیت الله احمد جنتی اطمینان داده است که جمهوری اسلامی به حمایت خود از حزب الله ادامه خواهد داد. جنتی طی یک سخنرانی در مسجد ما مرزا واقع در حومه جنوبی بیروت بنیادگرایان لبنان را به

## خمینی زدایی

تفنگ وریش نترشیده و تصویرهای آیت الله خمینی آیا یک روی هم نشان سکه ای است که محدودیت برای ساکنان غرب بیروت روی دیگر آن است، جواب می دادند که نه، مردم به میل خود به این شیوه زندگی تن در داده اند. و این حال چندان بدیدگویند در حالی که می بینند با برچیده شدن زور حزب اللهی، آن رفتار ناگهان صدو هشتاد درجه تغییر جهت داده است؟

البته اگر با زوی مسلح رژیم دمشق با زوی مسلح حزب الله را نمی شکست، این رها می میسر نمی شد.

جمهوری اسلامی البته هنوز چنان که باید به روی خود نمی آورد که به برادران ایما نیش در لبنان چه دارد می گذرد. شاید از جمله بدین سبب باشد که درست همزمان با دگرگونیهای که در جهت ناتوان شدن حزب الله در پیش است، مناسبات خود را با لبنان به سطح سفیر ارتقاء داده است، حال آنکه معمولاً در چنین مواردی، سطح مناسبات کاهش داده می شود.

هنوز ما مداران رژیم تهران می گویند که کشتار ۲۳ حزب اللهی برنا مهای تدوین شده از سوی رژیم دمشق نبوده است و بدین ترتیب می خواهند از اهمیت قضیه بکا هند. درست است که دمشق از پیش برنا مریزی نکرده بود که ۲۳ حزب اللهی را در غرب بیروت بکشد، ولی برنا مریزی کرده بود که هر مقامی را از سوی حزب الله به قدرت اسلحه در هم شکند، و چنین نیز کرد. به رغم همه اعلام همدلیها و همدردیهای زبانی رژیم تهران با حزب الله لبنان،

ندوی افزود که رئیس جمهوری سوریه به او اطمینان داده است که ما برای قتل ۲۳ حزب اللهی امری تصادفی بوده است و دولت سوریه عملیات ضد امپریالیستی و مپیونستی حزب الله را بدیده تحسین می نکرد.

محتشمی همچنین ادعا کرد که حافظ اسد نیز در مورد لزوم مسلح باقی ماندن حزب الله برای جنگ با اسرائیل با وی هم عقیده است.

منابع سوری تاکنون درباره موضوع مذاکرات محتشمی با حافظ اسد اظهار نکرده اند. محتشمی بدنیا ل علی اکبر ولایتی وزیر خارجه و محسن رفیق دوست وزیر سیاه پاداران، سومین وزیر رژیم تهران بود که پس از استقرار نیروهای امنیتی سوریه در بیروت غربی، به این کشور سفر کرد.

از سوی دیگر همزمان با تنش که در روابط تهران و دمشق به وجود آمده است، جمهوری اسلامی روابط خود را با لبنان که از ۴ سال پیش در سطح کار راهبردی به سطح سفیر ارتقاء داده است، مجدداً لچیان سفیر جدید رژیم جمهوری اسلامی در لبنان

تصویرهای آیت الله خمینی که به دیوارهای غرب بیروت نقش شد، زنان در حجاب رفتند، اکنون که دیوارهای غرب بیروت از آن نقشها پاک می شود، زنان از حجاب درآمده اند، با زار ریش که رونقی داشت، دوباره کسا دشمنه است، با زار تیغ ریش تراشی که از رونق افتاده بود، دوباره گرمی یافته است.

ساکنان غرب بیروت می گویند که در این چند سالی که حزب الله مسلط بر محله بود، زندگی عادی نداشته اند، این فقط تفنگهای بردوش حزب اللهی ها نبود که زندگی را بر مردم غرب بیروت تلخ کرده بود. و گرنه تفنگ بردوش سربازان سوری نیز هست - بلکه هدفی که تفنگها به سوی آن نشان می رفتند، باعث شده بود که زندگی از مسیر عادی خارج گردد.

حزب الله تفنگش را به سوی آزادیهای خصوصی مردم نیز نشانه رفته بود و به آنها دستور می داد که بکنند و چه نکنند، چه پیشوند چه نباشند، چه بیانشانند و چه نیانشانند، بی آن تفنگها دستیا بی

به این منظورها امکان پذیر نبود. و اکنون که این زور از لای سرم مردم برداشته شده است، معلوم میشود که آن "اخلاق اسلامی" که تبلیغات رژیم تهران و آخوندهای شیعه لبنان اینهمه از آن سخن می گویند، برای اثبات خود تا چه اندازه به سر نیزه و تفنگ نیا زدارد.

از این حیث غرب بیروت با تهران و اصفا ن و تبریزی شیرا زوکرما نشا هیا هرجای دیگری در ایران هیچ تفاوتی نداشت. اگر پیش از خلع سلاح حزب اللهی ها به وسیله سوریه، از آنها می پرسیدی که



فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

هدیه نوری:

از نور روزنامه خپاهم

حکایت اندر معنی دیدن آمدن شراب

اندر تواریخ نیشته اندکه به هرات پادشاهی بودکا مگسار و فرمان روا، با گنج و خواسته بسیار، و لشکری بی شمار، و همه خراسان در زیر فرمان او بود، و از خویشان جمشید بود، نام او شمیران، و او این دز شمیران کی پسر است، و هنوز برجاست، آبا و اجداد او کزده است، و او پسر بود، نام او با نام، سخت دلبر و مردانه و زور بود، و در آن روزگار تیراندازی چون او نبود، مگر ( = شایه ) روزی شاه شمیران بر منظره نشست، و بزرگان پیش او، و پسرش با نام پیش پدر، قضا را همای بیامدیوانگ میداشت، و برابر تخت، با راهای دورتر، بزیر آمد و بزمین نشست، شاه شمیران نگاه کرد ما ری دید در گذردن همای بیچیده و سرش در آویخته، و آهنگ آن میکرد که همای را بگذرد، شاه شمیران گفت: ای شیر مردان این همای را از دست این ما رکه برها نودتیری به صواب بیندا زد؟ با نام گفت ای ملک کار بنده است. تیری بینداخت چنانکه سر ما ردر زمین بدوخت و به همای هیچ گزندی نرسید، همای خلاص یافت و زمانی آنجا می پرید و برقت، قضا را سال دیگر همین روز شاه شمیران بر منظره نشست، آن همای بیامدیوانگ بر سر او میبویس بر زمین آمد، همانجا که ما ری تیر زده بود چیری از منقار بر زمین نهاد، و با نگی چند بگرد و پدید آید، و آن همای را بدید، با جماعت گفت بنده ای این همای است که ما او را از دست آن ما ربرها ندیدیم، و او مسال به مگسار با نام از دست ما ر گرفته است، و ما ر به مگسار منقار بر زمین میزند. بر وی و بنگرید و آنچه بیامدیوانگ بیند، دوسه کس بر رفتند و بجملگی دوسه دانهدیدند. آنجا نهاد، برداشتند و پیش تخت شاه شمیران آوردند. شاه نگاه کرد، دانهای سخت دید، دانایان وزیرکان را بخواند، و آن دانها بدیشان نمود، و گفت هسما این دانها را بما به تحفه آورده است، چه می بینید اندراین؟ ما را با این دانها چه می باید کرد؟ متفق شدند که این را بیاید کشت و نیک نگاه داشت تا آخرا سال چه پدید آید. پس شاه تخمها را به باغبان خویش داد و گفت در گوشه ای بکار، و گردا گردا و پیرچین کن تا چها ریا اندر او را هنیابد، و از مرغان نگاهدار، و به پروقت احوال او را مینمای، پس باغبان همچنین کرد، نوروز ما ه بود، بچندی برآمد، شاخکی از این تخمها برجست، باغبان پادشاه را خبر کرد، شاه بزرگان و دانایان بر سر آن نهاد، و گفتند ما چنین شاخ خوب کرد ندیده ایم، و بازگشتند، چون مدتی برآمد شاخها بسیار رشد، و بلگها ( = برگها ) بهین گشت، و خوشه خوشه بمشال گاو س از او در آویخت، باغبان نزدیک شاه آمد، و گفت در باغ هیچ درختی از این خرمتر نیست، شاه در کربا رها دانایان بدیدار درخت شد، نهاد او را دید درخت شده، و آن خوشه ها از او در آویخته، و گفت بما ند، گفت صبر بید کرد تا همه درختان را بر ( = میوه ) برسد تا بر این درخت چگون شود، چون خوشه بزرگ کرد، و دانها غوره به کمال رسید، هم دست بدو نیا رستند کرد، تا خریف ( = پاییز ) در آمد، و میوه ها چون سیب و مرود ( = گلابی ) و شفتالو و انار و ما ر شدند در رسید، شاه به باغ آمد، درخت انگور دید چون عروس آراسته، خوشه ها بزرگ شده، و از سبزی به سبای آمده، چون شنبه، میتافت، و یک دانها از او همی ریخت، همه دانایان متفق شدند که میوه این درخت اینست، و درختی به کمال رسیده است، و دانها از خوشه ریختن آغا ز کرد، و بر آن دلیل میکنند که فایده این در آب اینست، آب بیاید گرفتند و درختی کردند، تا چه دیدار ( = پدید آید )، و هیچ کس دانهدرد هسان نیا رست نهادن، از آن همی ترسیدند که نیا بدک زهر با شد و هلاک شوند، همانجا در باغ خمی نهادند و آب آن انگور بگرفتند، و خم بر کردند، و باغبان را فرمود هر چه ببینی مرا خبر کن، و بازگشتند، چون شیر در خم جوش آمد باغبان بیامد، و شاه را گفت این شیره همچون دیگ بی آتش می جوشد، و تیر می اندازد، گفت چون بیا ر ما ر آگاه کن، باغبان روزی دید ما ری و روشن شده چون یا قوت سرخ میتافت، و آرا میداده، در حال شاه را خبر کرد، شاه با دانایان حاضر شدند، همگنا در رنگ ما ری او خیسره بماندند، و گفتند مقصود ما فایده از این درخت اینست، اما ندانیم که زهر است یا با زهر ( = ضد زهر ) پس بر آن نهادند که مردی خوبی ( = قاتل، محکوم به مرگ ) را از زندان بیا رند، و از این شربت بدو دهند، تا چه بدیدار آید، چنان کردند، و شربتی از این بخوتی دادند، چون بخوردند ندکی روی ترش کرد، گفتند دیگر خوا هی، گفت بلی، شربتی بگردد و دادند، در طرب کردن و سرود گفتن و کجول کردن، آمد، و شگوه پادشاه در چشمش سبک شد، و گفت یک شربت دیگر بدید، پس هر چه خوا هید بماند، که مردان مرگ را زاده اند، پس شربت سوم بدو دادند، بخورد و سرش گران شد و بخت، و تا دیگر روز بپوش

تمام کردی، یعنی تا جها نیا ن بداند که ما نیز بزرگ آبا و اجداد ن گردن جها ن و مملکت همچنان را غنیم، ما پسر پادشاه در این معنی حریص تر بودی از جهت چند سبب را، گفتی بر سر فریضه تر ( = واجب تر ) که نیم کرده پدر خویش را تمام کند که چون تخت پادشاهی پدر ما را با شد سزاوارترم، و دیگر گفتی پدر ما این عمارت یا از جهت آبا و اجداد ن جها ن همی کرد، یا از بلند همتی و نام نیکو، یا از جهت نزدیکی به خدای تعالی، یا از جهت نزهت و خرمی، و مرا نیز آبا و اجداد ن مملکت همی باید، و همت بزرگ دارم، و رضا و خشنودی خدای تعالی همی خوا هم، و نزهت و خرمی دوست دارم، پس در تمام کردن بنا فرما ندای . و بعد با پستان ن تا آن شهر و بنا تمام گشتی، و اگر بر دست او تمام نشدی دیگر که به جای او نشستی تمام کردی، و مردمان آن پادشاه را مبارک و ارجمند داشتندی، گفتندی خدای تعالی این بنا بردست او تمام کرد، و ما را یوان کسری به مدد ما که شاه پور و اولاد ن بنا افکند و از بعد او چند پادشاه عمارت همی کردند تا بردست نویشان روان عادل تمام شد، و پیل اندیشمک همچین، و ما نتوانیم بیسوار است.

تا دروان مینوی که نخست با نوروز ما را او به سال ۱۳۱۲ خورشیدی ۱۹۳۳ جاب کرد مقدمه و حواشی گران بهایی بر آن نوشته است، این چند سطر را از مقدمه وی به نوروز ما نقل می کنیم:

" نویسنده فیلسوفی است ما دی، معتقد نیست که خدا انواع را جدا جدا خلق کرد، بلکه می گوید چیزهای ن سو بر حسب کردش عالم، پدید آمد، زندگی را تلخ می یافته می گوید دنیا در دل کلی صیرین میاد، مگر مرگ همیشه او را در رنج داشته می دیده که مردان مرگ را زاده اند، بنا بر این معتقد می گردد که با بدیک دم که شده خوش بود، پس از آن هر چه میشود با ک نیست، چون زرا برای خوش بودن زندگی لازم میداند آنرا تمجید میکند، شراب را نیز که وسیله شادی و خرمی و رواندن اندوه است می ستاید، صورت خوب را نیز بزرگ می شمارد و با یک دنیا لطف و بیانی کتاب خویش را برای فرخندگی بر روی نیکو ختم میکند، به جمالی نه تنها زلحاظ ظرافت پرستی میگردد بلکه فایده ما دی نیز در آن می بیند، به این طور که شخص خوب صورت ناگزیر میشود ما ل بیشتر بدست آورد تا بتواند دوستا ران را بهم بنشیند و خوش باشد، برای همین منظور خوش گذشتن زندگی بشری است که ما صراعی به آبا و اجداد ن دارد.

اگر چه در دنیا چه کتاب را بر سبیل سیره جاری موه لغین به حمد و درود شروع می کند با زهمه پیغمبران را در یک ردیف قرار میدهد، اسلام استعمال ظروف زرین را نهی میکند و اولی او خود را به راه نمی زند، می آنگه اعتنا می به حرام بودن شراب در نظر مسلمانان داشته باشد آن را مدح میکند و منافع و مضار انواع مختلف آن را بیان می نماید و چا ره زیان هر یک را بدست می دهد، فقط اشارهای میکند که در قرآن نیز سودمندی شراب یاد شده است.

تا دروان مینوی تا لیفا این رساله را از خیم می داند و می گوید تا دلیل ندانن سکن بر بطلان این نسبت اقامه ننموده چسب آن را به تمام سزا و ارترا ز حکیم عمر خیم نشو بوری نمی شمارم.

اما امروز پس از گذشت پنجاه و سه چهار سال از انتشار کتاب، محققان در باره انتصاب رساله به خیم این انداز همدستان نیستند، حتی بحث های دقیق و فاضلانهای هم در باب شناخت موه ل ف آن، و احوال و آثار و روزگار زندگی وی در گرفته است که جای طرح آن ها در این گفتا نیست، یکی از آخرین نظریه های هم که داده شده این است که خیم خود با خیم خودی داشته های برای تا لیف رساله ای به نام نوروز ما تهیه کرده ما هرگز فرست تدوین آن ها را نیافته است و پس از مرگ او دیگری این پا دداشت ها را تنظیم و تدوین کرده و از همی روی آن را از قول "خواجه حکیم، فیلسوف الوقت... عمر بن ابراهیم الخیم رحمة الله علیه" نقل کرده است.

موه ل ف - چه خیم با ندو چه کس دیگر - پس از شرح هدیه های که موبد موبدان برای شاه می آورد در باره خواص هر یک از آن ها فصلی برداخته است که به ترتیب عبارتند از: زر، انگشتری، خویده، شمیر، تیروکمان، قلم، اسب و هنرا و با زو هنرا و، شراب و منفعت آن و سرانجام آخرین فصل کتاب است که با لطف و ظرافت و ذوق تمام به بیان خاصیت روی نیکو اختصاص یافته و کتاب با آن به پایان آمده است.

در هر یک از این گفتا رها پس از بیان خواص هر چیزی که نویسنده یک یا چند حکایت، کوتاه یا بلند، در تا لیف بد گفته، خود نقل کرده است، ما در این جا هدیه نوروزی خوانندگان قیام ایران را نخست حکایتی که "اندر معنی پدید آمدن شراب" آورده، و آن سخت لطیف و زیباییست، و نقل می کنیم و سپس یکی از حکایت های را که در خواص روی نیکو در کتاب آمده می آوریم و این حکایت اخیر بر روشنی نشان می دهده که تحسین گذشتگان از زیبایی پسرانه و ستایش آن، نه چنان که امروزیان گمان می برند ریشه در انحراف ها و اختلالات جنسی داشته است. این کتاب داستان اول:

روز نوروز نخست کس از مردمان بیگانه موبد موبدان پیش ملک آمدی با جام زرین پر می، و انگشتری، و در می و دیناری خسروانی، و یک دسته خویده سبز زسته، و شمیری، و تیروکمان، و دوات و قلم، و اسبی، و بازی، و غلامی خوب روی، و ستایش نمودی و نیا پیش کردی او را بزبان پارسی ببارت ایشان، چون موبد موبدان از آفرین سپردا ختی پس بزرگان دولت در آمدند و خدمت هسا ( = هدیه ها ) پیش آوردندی.

آفرین موبد موبدان ببارت ایشان

شها بچش فروردین بما فروردین آزادی ( = شکرو سپاس ) گزین بریزدان و دین کبان، سر و آورد ترا دانا بی و بیانی بکار دانی، و دیرزی با خوی هژیبر ( = نیکو )، و سادباش بر تخت زرین، و انوشه ( = جاودان ) خورجا جمشید، و رسم نیاکان در همت بلند و نیکوکاری و ورزش دا دورا ستی نگاه دار، سرت سبزا دوجوانی چو خویده، اسب کا مگا رویروز، و تیغت روشن و گاری بدشمن، و با زت گیری و خسته بشکسار، و کارت راست چون تیر، و هم کشوری بگیر نو، بر تخت با دم و دینا ر، بیشت هنری و دانا گرامی، و درم خوار، و سواریت آباد، و زندگانی بسیار، چون این بگفتی چاشنی کردی و جام بملک دادی، و خویده در دست دیگر نیا دی، و دینا رودرم در پیش تخت او بنیا دی، و بدین آن خواستی که روز نو سال نوره چه بزرگان اول دیدا ر چشم بر آن افکنند تا سال دیگر شادمان و خرم با آن چیزها در کا سرانی بمانند، و آن برایشان مبارک گردد، که خرمی و آبا و اجداد ن جها ن در این جیزها ست که پیش ملک آوردندی.

این آرزوهای نیکو و دعا های فصیح و زیبا از نوروز ما، کتابی که تا لیف آن را به خیم نسبت می دهند، برداشته شده است.

نوروز ما مه رساله است در بیان سبب وضع جشن نوروز و کشف حقیقت آن و اینکه کدام پادشاه آن را نهاد و چرا آن را بزرگ داشته اند، نویسنده جشن نوروز را که یکی از رسوم ملی ایرانست موضوع رساله خویش قرار داده و بنا برین با بدگفت به ملیت ایران علاقه مند بوده است، خاصه وقتی می بینیم به ما صراحتا در ما عات و حفظ این جشن را حتی بر اقوام ترک و روم نیز واجب میشمارد. موه ل ف از شا هان اساطیری و تاریخی ایران تا زمان پیدگردد شهباز را دیسار میکند و پیشه ها و رسوم و فنونی را که ایشان نهادند و ندمط بق با روا یاتی که در شهنامها آورده اند نقل می کند چنانکه گوئی بخوانند شاهنا مه فردوسی مدامت داشته. آیین جها ننداری شا هان ساسانی را با تمجید و تمسین حکایت می کند. وی منجم و ریاضی دان بوده، در مسائل طبی از آراء رازی و ابن سینا پیروی مینموده، و این کتاب خود را در نیشابور نوشته یا فقط نیشابوری بوده، کتاب را اگر چه میگوید بموجب التماس دوستی نوشتم، در حقیقت برای شهادت نوشته و چیزها می را که میگوید موبدان موبد برای شاه به عنوان هدیه نوروزی می برده هر یک تا یکی از انواع است: شراب شاه نوشیدنی ها، زرشه گوهر هسای گدا زنده، یا قوت شاه گوهر نی نا گدا زنده، اسب شاه چوندگان، یا زرشه پیرنگان... نویسنده آن را برای پادشاهی ترک و در دوره سلطنت ترکان در ایران نوشته: یک جا میگوید امروز ما سر را هیچ گروه به از ترکان نمی شناسند از بیرون که چنان ایشکان دارند، مگر بر ترکان توصیه می کند که جشن نوروز را ترک نکنند، در باره خواص اسب به گفته افسر اسباب پادشاه ترک استخدا می کند، و از خارج میدانیم که سلجوقیان نسب خویش را به افسر اسباب می رسانده اند نویسنده کتاب را برای یکی از اشراف نزدیک ملک شاه نوشته آن هم در هنگامی که هنوز زمرگ ملک شاه خیلی نگذشته بوده است. در فصلی که شاهان باستان ایران را مشتاقی به آبا و اجداد ن معرفی می کند مثل اینست که می خوا هدیه جا نشین ملک شاه بگوید کا ربنا ری صد خا نه که و شروع کرده بودتوبا بدیهه پان بری.

سخنان موه ل ف در این زمینه و یاد کردن اهتمامی که پیشینیان به آبا و اجداد ن در داشته اند بسیار مه رودر عین حال با مقایسه با آنچه امروز در ایران می گذرد سخت آموزنده و عبرت زا ست.

و دیگر بر کا رعمارت عظیم حریص و را غب بودندی، و هر پادشاه که بر تخت مملکت بنشیند شب و روز در آن اندیشه بودی که کجا آب و هوای خوش است تا آنجا شهری بنسا کردندی، تا ذکر او را با دان کردن مملکت درجه سان بماندی، و عادت ملوک عجم و ترک و روم که از نژاد آفریدون اند چنان بودست که اگر پادشاهی سراسری مرتفع بنا افکندی یا شهری یا دیهی یا ریا طی ( = کاروان - سراسری ) یا قلعه ای، یا رودی براندی، و آن بنا در روزگار او تمام نشدی پسرا و آن کس که بجای او بنشیند بر تخت مملکت، چون کار چنان بر روی راست گشتی، بر هیچ چیز چنان چندان نمودی که آن بنا ی نیم کرده آن پادشاه



# چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

## بمناسبت ۲۹ اسفند روز ملی شدن نفت

نما دنا سیونا لیسسی است که می تواند رژیم آخوندی را به چالش بخواند. از اینرو مصدق برای ما ایرانیان تنها یک ذخیره گرانبهای تاریخی نیست، نما دمقا و مت در برابر حکومت آخوندی نیز هست، و درست همین سیمای مصدق است که رژیم آخوندی را هرگز آرام نمی گذارد.

ملاهای تهران می کوشند تا آنجا که ممکن است دیگرانی از مصدق نبرند، و لسی خاطر نا سیونا لیسسی ایران از روزهای انقلاب مشروطه و ملی کردن صنعت نفت مدام به آنها تهنیت می زند. ملاها به مصدقی که به تاریخ و تنها به تاریخ سپرده شود، نه تنها کاری ندارند، بلکه واهمه ای نیز از او به دل راه نمی دهند.

ولی مصدقی که آخوند را به جای خود نشانده، مصدقی که هرگز نمی خواست کار دولت را با موردینی در آمیزد. این همان سیمایی است که یک محور عمده مقامت در برابر حکومت ملاهاست. همین است که اهمیت تاریخی مصدق را به یک جریان سیاسی روز بیونمی دهد و نام او را زنده نگا همیاد.



که در جریان انقلاب مشروطه، آخوندیسم با آن درآمیخت بلکه بتواند آن را به سوی "مشروع" منحرف گرداند.

حکومت که به دست ملاها افتاد، خواستند با نامگذاری خیابانی به نام مصدق، این چهره بزرگ تاریخ معاصر ایران را در خود بکشند و همگام کنند. ولی خیلی زود دریا فتند که برای رژیم آخوندی لقمه قابل هضمی نیست. مدعیان نیابت ولی عصر، "ولی عصر" را جانشین مصدق کردند.

برخی نیز کوشیدند تا سیونا لیسسی ایران را به رژیم ملاها بفروشد و سودی بکنند. لیکن از این معامله جز زیان طسرفی نیستند. نا سیونا لیسسی ایران متاع قابل معالهای نبود و به معالگران درس دیگری آموخت.

برای خمینی حسادت برانگیز بود که در گرما گرم افسونزدگی توده ها می دید که یک میلیون تن از مردم تهران به مناسبت سالگرد گذشت مصدق در احمدآباد گرد هم آمده اند. از زمان روز معلوم شد که حتی استخوان مصدق نیز

دارای محتوای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیار غنی است. سلسله جلالی رنگارنگ است که اگر یک قله آن امیر کبیر باشد، قله دیگر آن مصدق است. نوسازی اقتصادی ایران همانگونه در دامنه این کوه بزرگ قرار می گیرد که تلاش برای استقرار دمکراسی و حاکمیت ملی.

و آنچه به همین اندازه در بار آورشدن تا سیونا لیسسی ایران اهمیت دارد، جدائی دین از دولت است. امیر کبیر با بنیادگذاری دارالفنون نخستین گام تعیین کننده را بردارد، برای آن که آموزش و پرورش را از انحصار آخوند بیرون آورد. وی همان گونه به نام سیونا لیسسی ایران خدمت می کند که مصدق با ملی کردن صنعت نفت کمر به خدمت آن می بندد.

تصادفی نیست رژیمی که می خواهد مصدق را در سایه کاشانی قرار دهد و او را کوچک بنماید، همان رژیمی است که می خواهد به عمر دارالفنون پایان بخشد.

در جریان ملی کردن صنعت نفت، کاشانی خود را همان گونه به ریسمان مصدق بست

توماس کارلایل که زندگینامه کرامول را نوشت، گفت که با بیست قهرمان خود را از زیر کوهی از افتراها و آنها می بیرون کشد تا او را چنان که بود بنمایاند. زندگینامه نویسنده مصدق، از این حیث، وظیفه ای دشوار ندارد. سوازی رژیم تهران که می کوشد مصدق را در سایه ابوالقاسم کاشانی قرار دهد، هیچ ایرانی نیست که در او ذره ای احساس ملی گرائی باشد و بتواند از مصدق به بدی یاد کند.

برای آیت الله خمینی، مصدق جز "مشتی استخوان" نبود. ولی کیست که نداند بدون مصدق و کارنامه درخشان سیاسی او، استخوان نسیونا لیسسی ایران کامل نخواهد بود. رژیم اسلامی با مصدق مخالف است، ولی چون نمی تواند او را کوچک کند، ابوالقاسم کاشانی را بزرگ می کند. اما این بزرگنمایی به هیچ روی نتواند تیرتیلیغاتی دلخواه را به بار نمی آورد. زیرا پیش از هر چیز، دو شخص با یدیا یکدیگر مقابله پذیر باشند تا بتوان یکی را بزرگتر از دیگری جلوه گر ساخت و او را در سایه آن دیگر قرار داد.

ولی کاشانی کجا و مصدق کجا. به قول خواجه شیراز: چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا.

نا سیونا لیسسی ایران شعاری عاطفی نیست که طبع زود جوش به شنیدن آن بجوشد و برآیند، نا سیونا لیسسی ایران

## هدیه نوروزی:

### از نوروز نامه خپام

نیا مد. چون بهوش آمد پیش ملک آوردنش، از او پرسیدند که آن چه بود که دی روز خوردی، و خویش را چون میدیدی، گفت نمی دانم که چه میخوردم، اما خوش بود. کاشکی امروزه قدح دیگر از آن بیافتمی. نخستین قدح بدخواهی ( = دشواری ) خوردم که تلخ مزه بود، چون در معده ام قرار گرفت طبعم آرزوی قدح دیگر کرد، چون دوم قدح بخوردم نشاطی و طربی در دل من آمد که شرم از چشم من برفت، و چنان بیش من سبک آمد. بنیاد شتمیایان من و شاه هیچ فرقی نیست، و غم چنان بر دل من فراموش گشت، و سوم قدح بخوردم بخواب خوش درختم. شاه وی را از دگر داری که کرده بود، بدین سبب همه دانیان متفکر گشتند که هیچ نعمتی بهتر و بزرگوارتر از شراب نیست، از بهر آنکه در هیچ طعامی و میوه ای این هنر و خاصیتی نیست که در شراب است، شاه شمیران را معلوم شد شراب خوردن، و بزم نهادن آیین آورد، و بعد از آن هم ز شراب روده با ختنند ( = آهنگها ساختند ) و نواها زدند، و آن باغ که در آن و تخم نگیور بکشتند هنوز برجاست، آن را به هرات غوره میخوانند و بر در شهر است، و چنین گویند که نهال انگور از هرات به همه جهای پراکنده، و چندان انگور که به هرات یا شده هیچ شهری ولایتی نباشد، چنانکه زیادت از صد گونه انگور را نام بر سر زبان بگویند، و فضیلت شراب بسیار است...

### گفتار اندر خاصیت روی نیکو

روی نیکو را دانیان سعادتی بزرگ دانسته اند، و دیدنش را به فال فرخ داشته اند، و چنین گفته اند که سعادت دیدار نیکو را حوال مردم همان تاء شیر کند که سعادت کواکب سعد بر آسمان، و مثال این چنانها ده اند چون مثل چاه که عطرا ندر صندوق بود که از وی بوی گیرد و بی عطرا ن بوی بمردم برساند، و چون مثال عکسی آفتاب که بر آفتاب فتدوبی آفتاب دیگر جای عکس برساند، زیرا که نیکویی صورت مردم بهر بیست از تاء شیر کواکب سعد که به تقدیر از دستتالی به مردم بیوندد، و نیکویی به همه زبانها ستوده است و به همه خرددها پسندیده، و اندر چنان چیزهای نیکو بسیار است که مردم از دیدارشان شاد گردد، و به طبع اندر تا زگی آرد، ولیکن هیچ چیز بجای روی نیکو نیست، زیرا که گاه از روی نیکو شادی آید، چنانکه هیچ شادی به آن نرسد، و گفته اند روی نیکو دلیل نیکبختی این جهان است، و چون

چون او بیامد از سرخشم و عتاب گفت ها و نوا، خویشتن را می شناسی، هیچ دانی که من ترا از کجا برگرفته ام و به کجا رسا نیده، و از خواسته و نعمت چه داری، ترا زهره آن با شکر یک ساعت از پیش من غایب شوی؟ چون سلطان خموش گشت گفت: سلطان بغیرا بدشتی، من همچنانست که می فرماید، من بنده را از خاک برگرفت و بر فلک رسا نید. من یک فروما به بودم اکنون به دولت رسا نید و پانصد هزار دینار زیادت دارم بی ضیاع و چاهایا و بنده و آزاد، و ملک بنده را آن مرتبت و حشمت داده است که در دولت خدا و دنیا به هیچ کس از سایه بنده بلندتر نیست و با این همه کرامت که با بنده کرده است و این نعمت که داده و بدین درجه رسا نیده هیچ سبب و منت بر بنده ننهد، بر دل خویش شد تا بنده از جهت دل خویش نیکو میدارد و بدو معنی، یکی از جهت آنکه دیدار بنده به فال گرفت، و دیگری که من بنده تمام شاکا و باغ و بوستان دل ملک، اگر ملک تمام شاکا خویش را بیاید منت بر کسی نیا بدینها د، هر چند من بنده بشکروم دعا مقابل می کنم، ملک را جواب آن پسر عجب خوش آمد، و او را بناوخت، و تشریف داد.

سخن بزرگان و اهل حقیقت در معنی روی نیکو بسیار است، این مقدار بدان یا دگر در حدتانی که مرست، این عطا و خلعت از دستتالی تا به جا بگا هست، و بزرگان مروری نیکو را چه عزیز داشته اند، و این کتاب را از برای فال خوب بر روی نیکو ختم کرده آمد.

شاد روان مینوی درباره این پسر زیبا روی در حواشی کتاب نوشته است:

" این غلامی که سلطان محمود به این طور تربیت کرده است هیچ کس نمی تواند بود مگر از او ایماق که بعدها در روزگار سلطان مسعود از سرداران معتبر شد و در سال ۴۹۹ هجری درگذشت."

\* خوید: هر گاه تا زهره و بیده، بوته جو یا گندم که هنوز خوشه نیست به شد، آن را هم با حذف وا و در تلفظ (خید) و هم با اظهار آن (بروزن بعید) می خوانند.

\*\* جاشنی کردن: مرسوم بوده است که وقتی میخواستند چیزی از نوشیدنی یا خوردنی را به پادشاه عرضه کنند، نخست کسی که خویشتن را فدایی شاه می دانسته قدری از آن می چشیده است تا اگر طعام یا نوشیدنی زهر آلود باشد شاد شاد در وی ظاهر شود و پادشاه آن را نخورد، این شخص را "جاشنی گیر" می گفته اند و جاشنی گیران از میان غلامان یا سرداران فدایی پادشاه برگزیده می شدند.

\*\*\* شیه به فتح اول دوم، سنگی است بسیار سیاه که در جزء گوهرها به حساب می آید اما از همه آن ها انسداد بها تراست. عوام مردم آن را شاق می نامند و هر چه چیز بسیار سیاه را بدان ما شنیدند.

\*\*\*\* کچول کردن: کچول (بروزن قبول) یا کچول حرکت دادن و جنبانیدن سرین است به وقت رقصيدن و مسخرگی کردن و امروزه جای آن "قر دادن" گوئیم.

روی نیکو یا خوی نیکو یا رشود آن نیکبختی بنا بیست رسیده باشد، و چون به ظاهر هرو باطن نیکو بود محبوب خدا و خلق گردد، و مریدان رتیکورا چاه را صیت است. یکی آنکه روز خسته کند بر بیتننده، و دیگری آنک عیش خوش گرداند، و سدیگر آن که به جو انمردی و هروت راه دهد، و چاه را آنک به مال و جا هزیادت کند، زیرا که مردم چون به اول روز از روی نیکو شادی یافت دلیل بهره ای بودا بهره های خستگی، که آن روز جز شادی نبینند، چون با وی نشست عیش بروی خوش گردد، و بی غم شود، و چون این حال بروی قرار گرفت، و دیدار نیکو یا فت، اگر چه بی مروت و مغله کسی بود، مروت و جوادتمردی در وی بنجید، و چون درمان وی را با روی نیکو دیدند به تعظیم نگرند، و نیز از بهره عیش خویش به مال و ورزیدن کوشش بیش کنند، و چنین گفته اند که روی نیکو بسیار جوان کند، و جوان را کودک، و کودک را بهشتی، و رسول علیه السلام گفته است حاجت خویش از نیکو رویی بمان بخوا هید...

حکایت گویند سلطان محمود روزی به تماشا شده بود، و از صحرای شهر می آمد، و در آن حال هنوز میربود، و پدرش زنده بود. چون به در دروازه شهر رسید چشمش در میان نظر رگین، و بر پرسی افتاد که رگین چه میبگوید. دوازده ( = دوازده ) ساله، اما سخت نیکو روی و طرفه و زیبا بود، تمام خلقت، معتدل قامت، عنان با زکشد و گفت این پسرک را پیش من آرید، چون بیاید و در بندگت ای پسر تو چه کسی و پدر کیست، گفت پدر ندا رم ولیکیمن ما درم به فلان محلت نشیند، گفت چه پیشه می آموزی، گفت قرآن حفظ میکنم، فرمود تا آن پسرک را به سر بردند، چون سلطان فرود آمد پسرک را پیش خواند، و از او هر چیزی پرسید، و چندان فرمود، سخت زیبرک و رسیده بود، و اقبالش بیاری داد، فرمود تا مادرش را بیاید و در بند، و گفت پسر ترا قبول کردم، من او را به پرورم، تو دل از کار او فارغ دار. مادرش را نیکوئیها فرمود و پسر را چاه های دیبا پوشانید، و پیش ادیب نشانند تا خط و دانش آموخت و سلاح و سوار ی، و پسر را گفت هر روز با مداد که من هنوز با رندا ده با شمایا بیکه پیش من ایستاده باشی، پسر هر با مداد دیگه ( = صحیح زود ) بخدمت آمدی، سلطان چون از جهره خاص بیرون آمدی نخست روی او دیدی، و مقصود سلطان آزمایش خستگی دیدار او بود، سخت خسته آمد، چون بیرون آمدی از جهره چشم بروی افکندی، هر مرادی داشتی آن روز حاصل شدی، و این پسر را از جاه و نیکو داشت جمالش یکی مد شده سلطان هر روز او را بخویشتن نزدیکتر کرد، و شایستگیها از وی بدید آمد، و سلطان او را نعمت و خواسته می داد و اعتما دبر او زیادت می کرد، و می نواخت، و نعمت و کجمل این پسر بسیار شد، و سلطان از عشق او چنان گشت که یک ساعت شکیبا نتوانست بود، این پسر را سالش به هجده رسید، و جمالش یکی ده شد، و از مبرار کی دیدار او سلطان را بسیار رکارها و فتح های بزرگ دست داد، و چندین ولایت هندوستان بگشاد، و شهرهای خراسان بگرفت و به سلطان بنی بنشست، مگر روزی این پسر به عذری دیر تر به خدمت آمد، و سلطان بی او نتواند گشته بود.



## گزارش‌های ایران

# ضربه مهلك كربلاي ۴ و ۵ بر سپاه

### از گروه خبري نهضت مقاومت ملي ايران

برای کشاندن مردم به جبهه ما با تمام توان فزونی کرده است. قبلاً به اطلاع رساندیم که بخش‌های به تمام کارگاه‌های کشور شده که با یک ۲۰ درصد زکا رگران خود را به جبهه می‌فرستند. این بخش‌ها سه هفته گذشته به داد را تمام نیز بلاغ شده و وحشت عمومی کارمندان را برانگیخته است. از طرفی دولت به علت وضع بد مالی، فشارهای خود را بر واحدهای اقتصادی بمنظور تأمین هزینه جنگ بیشتر کرده است. روزی نیست که به کارخانه‌های کشور بخش‌ها مه‌تازه‌ای فرستاده نشود. از جمله در شهر صنعتی سا و این بخش‌ها ما در شده است. بخش‌ها می‌تواند برای این منطقه پیدا کند بگذارد. ریم هر کارخانه به نسبت وسعت ارضی خود با پدتری ۵ ریال بدهد. بخش‌ها می‌تواند به این مضمون که چون مردم با بد در مورچنگ پیش قدم شوند با پد تا آخر بچ مبلغ ۱۵۰ هزار ریال به حساب مخصوص واریز کنند. بخش‌ها می‌تواند این مضمون که چون می‌خواهیم در این منطقه گشت داشته باشیم هر کارخانه با پد مبلغ ۶۰ هزار ریال بپردازد. فشار مالی روی واحدهای صنعتی بحکم مرگباری رسیده است و آنها تقریباً ما را نه با پد چند میلیون صرف خرید جنس برای جبهه می‌کنند. فشارهای مالی را در کنار کساد و کمبود مواد اولیه و بی‌بلی مردم بگذارد و وقت ببینید کسبه که ستون اصلی برپا دارند رژیم جمهوری اسلامی بودند چگونه دارند فرو میریزند. هم‌اکنون با زارتهران در شرف تعطیل است. چرا؟ میداند که با زاریک مرکز عمده فروشی است که بیشتر شهرستان‌ها نیا زها نشان را از آنجا تأمین می‌کنند. بعلا تعطیل با زارهای مهم تبریز و اصفهان و شهرهای عمده دیگر و "لا" فروش ندارند تا نیا "اجناسی که قبلاً" فرستاده اند دنیا منهدم و معدوم شده یا مرجوع گردیده. مطالبات نیز بعلا فرار کسبه شهرهای مزبور مسکوت مانده و نمیتوان گفت ترکش بمباران شهرها به با زارتهران هم خورده است. اکنون خزانه‌داری کل برای پرداخت حقوقها، طبق اطلاع دقیق و مانده است و حرکت اقتصادی مملکت متوقف شده. در چنین شرایطی آقای رفسنجانی تلاشهایی برای تثبیت رهبری خود صورت میدهد. به اعتقاد ما صاحبه پر خبرنگار ایشان با دو هدف انجام گرفت: ۱- القاء پایان عصر خمینی و آغاز عصر رفسنجانی ۲- تزکیه و تهذیب شیطان بزرگ که به آقای ریگان دین توحیدی دارد و آلی آخر... که قطعاً "عوارض و آنا رایسن صاحب را مطالعه فرموده‌اید. هر چند که امریکا به جاذبه و کاربسمای رهبری در ایران آگاه نیست و رفسنجانی ممکن است بتواند یک حاکم قلد ریشودا ما یک رهبر، هرگز! چنانچه ۸ سال روی منتظری ۸ میلیار تومان سرمایه گذاری کردند و نشد.

تهران - ۶۵/۱۱/۲۵



دا دند که سه نفرشان دستگیر شدند و یک نفر گریخت و بلافاصله هم دو کایون حزبالهی به محل آوردند که شعرا و معرفشان را بدهند. بشکه‌ها روت تهران اخیراً "با حدود یک میلیون آوار ه جنگی متورم تر شده است و در چنین شرایطی اگر موج مخالفتی برخیزد و مردم اندک پشتیبانی ببینند انفجار قطعی است. تحقیق کردم در تمام نقاط بمب خورده تهران ناله نارضایتی بلند بوده و با پد این ناله را بغیرا تبدیل کرد. زمینیه از جهت آماده‌است. این شوخی نیست که از هفت سال پیش هر با ر خبر بیاماری خمینی منتشر شده مردم آن را با ور کرده اند و تکذیب‌های مکرر در باره وراثت آن هیچ تأثیر نداشته است. نارضایتی قابل کنترل نیست و موج آن بدنه سپاه را هم آسیب میزند. قتل عام بسیاری از فرماندهان سپاه در کربلا ۴، اعتراض بسیاری را برانگیخته است و فراد سپاه هم متوجه شده اند که غیر از ایمان و ایثار، برای جنگیدن دانش جنگ هم لازم است. آقای سلیمانی پیشخدمت سازمان آب کرمان نمی‌تواند فرماندهی لشکر را رهبرای بعهده بگیرد مگر اینکه تمام لشکر را بکشتن بدهد. بسیاری از افراد سپاه اکنون برای خودکشی در میدانهای جنگ دا و طلب نیستند و یک نوع روحیه بی‌س بر آنها حاکم شده است و تنها تبلیغات سهمگین حاکم است که آنها را تشویق بماندن میکند. فشار تبلیغاتی رژیم حیرت‌انگیز است و گاهی با مسائلی در این زمینه برخورد میکنم که این شبهه را در دل می‌افکنند که یک سازمان عظیم جهانی این تبلیغات را ادا راه می‌کنند و یک مشت آخوند بی سواد، بعنوان مثال، در ده فجر، از هر منطقه فرهنگی، گروهی از زبده‌ترین دانش‌آموزان دبستان و راهنمایی را به اردویی ۲۴ ساعته بردند. در این اردو تنها، برنا م‌تبلیغی شهادت و مرگ و زندگی پس از مرگ گنجانده شده بود. فیلمی نمایش دادند که چگونه یک نفر شهید میشود و بعد دوباره از قبر برمیخیزد. همراه با نمایش فیلم، معلمین امورتربیتی توضیحاتی میدادند که شستشوی مغزی را کامل کند. بگذریم که بچه‌های معصوم شب هنگام برای رفتن به دستشویی از ترس و روبروشدن با روح‌دچار چه مشکلاتی شدند و لی میتوانم بگویم که این تنها یک نمونه کوچک از نوع شستشوی مغزی است و یادمان باشد که امروز اکثریت جوانان ایرانی بین ۱۵ تا ۱۸ سال در کارگاه شستشوی مغزی جمهوری اسلامی، شستشوده‌اند که اگر برای مدت با زهم افزوده شود آینه بسیار تیره و تاریک خواهد بود. بهر رو فشار دولتی

قبضه شهداست و لشکر اسلام. هرگز چنین صدمه‌ای ندیده بود. تحمل این ضربات برای لشکرهای اروپائی هم مشکلست چه رسد به لشکری که سا زمانه‌ی ندارد. یک نوع آشفتگی خاص در سا زمانه‌ی نظامی حاکم است. میداند که برخلاف جبهه میانی که فقط سپاه دارد ره میگرد، در سوار ما موریت حمله به ارتش وا گذار شد. یک نظامی که از سوار با زگشته بود میگفت، ما بمحض شروع حمله موفق شدیم ۹ تپه را تصرف کنیم. اما چون پشتیبانی نشدیم حمله و موفقیت ما عقیم ماند و با دادن تلفات عقب نشستیم. ظاهراً "آشفتگی و سردرگمی نظامی مانع از گسیل پشتیبانی میشود. آخوندهای شرع فوراً "خود را میرسانند و حدود ۲۰ نفر از افسران و درجه‌داران را با تمام بکارهای محاکمه صحرائی کرده و اعدام می‌کنند (این خبر در هیچ رسانه‌ای پخش نشد). قصدم تشریح ضربات گجج کننده‌ای است که بر بیکیک سا زمان نظامی وارد آمده است. نمونه دیگری عرض کنم. در چند روز اخیر بخش‌های به واحدهای ارتشی ابلاغ شده که هر کس دا و طلب عزیمت به جبهه‌هاست خود را معرفی کند که این بخش‌هاست مورد تمسخر نظامیان قرار گرفت که آقا، ارتش خود را در جنگ است! این بخش‌ها معنی میدهد. این نکته را توضیح دهم که هنوز ارتشی‌ها تا آنجا که در توان دارند خود را از جنگ کنار میکشند و نقشه‌ها و طرح‌های سپاه و آخوندها را به مسخره میگیرند. نارضایتی همراه با ویرانی و تعطیل ده شهر بزرگ ایران نظیر اصفهان، تبریز، همدان، رضائیه، قم، بروجرد، خرم‌آباد، کرمانشاه و هجوم آنان به تهران که سرگردانی و گران‌بیشتری را هم سبب شده، همراه با شکست عملی حملات اخیر و رقام و وحشتناک کشته‌شدگان اوج و شدت بیشتری گرفته است. نارضایتی بالقوه‌ای که از سه ماه بعد از استقرار حکومت آخوندی برجا معانی بخصوص شهرنشینی حادث شد حا لابه‌نا رضایتی با لفل تبدیل گردیده است. روزی که عراقی‌ها اول سید خندان را زدند شخصاً در همان ناحیه بودم. در لحظات اول در خیابان کوروش کبیر که موج انفجار شیشه‌ها را شکسته و هم‌را وحشت زده کرده بود من موجی از نفرین و لعنت بر آخوندها دیدم که برای خودم تا زگی داشت. البته نارضایتی آنها بشکل نفرین و فحش بود. جملاتی از این قبیل که چرا شرطان را از سر مردم کم نمی‌کنید؟ تا کی میخواهید ما را به کشتن بدهید؟ الهی خداوند شما را ذلیل کند، بیشتر بگوش می‌خورد تا شعراهای مثبت. تنها چهار نفر را دیدم که با صدای بلند شعرا مرگ بر آخوند

این گزارش را در شرایطی می‌نویسم که تهران در زیر فشار و وحشت جنگ و بمبارانهای هوائی سخت‌ترین روزگار خود را می‌گذراند. بمباران تهران برخلاف بمباران شهرهای ایران که همه ویرانگر و ویران ساز است، هنوز جنبه نمادین و سمبولیک دارد. یک یاد و هوا پیمان بر فراز شهر وسیعی چون تهران حکم‌قطره‌ای در اقیانوس دارد. اما وحشت ناشی از یک نوع قرع کشتی مرگ است که همه تهرانی‌ها را به هراس می‌اندازد. اندک اندک فرارهای دسته جمعی مردم از تهران آغاز شده است. تا چند روز پیش این سیل عظیم شهروندان بود که بسوی اقیانوس تهران بحرکت در آمده بود اما حال فرار از تهران آغاز شده است. روز سه‌شنبه ۲۱ بهمن که شایع شد عراقیها قصد دارند هجوم هوائی داشته باشند یک چهارم مردم تهران، شهر را به قصد شمال یا روستاهای اطراف ترک گفتند. مدارس بتدریج خالی از شاگرد میشد و امروز، شنبه ۲۵ بهمن، دولت برای مقابله با آبروریزی ناشی از تعطیل مدارس بوسیله بدروما درها، خود به تعطیل مدارس ابتدائی و راهنمایی تا اطلاع ثانوی، بدون اعلام در روزنامه‌ها، اقدام کرده اما اطلاع دارم که دبیرستانها نیز خالی است و از هر کلاس پنجاه نفری فقط ۱۰ تا ۱۵ نفر در کلاسها بودند. در حقیقت کاری که عراقیها در هجوم هوائی بهتران کرده‌اند نه تخریب دوسه خانه و ساختمان، بلکه تخریب روحیه عمومی بوده است و چون دولت با مردم روراست نیست و حتی حقایق مربوط به بمبارانها را نمیگوید، شایعات، زندگی را فلج کرده است و دولت بیش از هر زمان دیگر آسیب پذیر است. تخریب روحی، به مردم محدود نمی‌شود. برای اطلاعاتی که بدست آورده‌ام این تخریب روحی شامل حکام هم شده است. شکست کربلا ۴ و توقف کربلا ۵، رؤیای تشکیل امپراتوری اسلامی را در ذهن بسیاری از آخوندها که خود را در تصور بغداد تصور میکردند در هم ریخته است. ما بخشی از حاکمیت تخریب روحی خود را به شکل جنون برای حمله بروزمیدهد. در جلسه‌ای که آقای خاموشی رئیس اتاق بازرگانی تشکیل داده بود این حالت روحی کاملاً نمایان بود. خاموشی اخیراً "پسرش را در جبهه از دست داده است و حاله جنون حمله و سرنگونی رژیم عراق مبتلا شده است. هیچ حرف حسابی را نمی‌پذیرد، با اینکه ظاهراً "مردی از حیطة اقتصادات اصلا" نمی‌تواند نقش امومالی را در جنگ که آخرین مرحله و رشکستگی کشیده درک کند. این نسوع روحیه که بخصوص در میان مقاماتی که شهید داده‌اند بروز کرده است احتمالاً اگر دولت هم بخواد متیازی بدهد، از آن مانعیت خواهد کرد. در کربلا ۴ و ۵، حکام و رهبران مملکت برای نخستین بار تلفات بسیار دادند. دیگر نمیتوان به آخوندها گفت شما تلفات نداده‌اید و مردم تلفات میدهند. حدود بیست اما مجمع و همیسن رقم نمایندگان مجلس شهید دادند و بر غم مرگ فرزندان گریستند، حدود ۱۰ نفر مانده لشکر، و حدود ۲۰ فرمانده تیپ و چند برآورد از فرماندهان گردان کشته شدند. هنوز ستونهای ترحیم و تسلیت در



## لرزش عرش عظیم

بقیه از صفحه ۱

بها نه این قرشمال بازی، یک فیلم تفریحی است که بمناسبت سالگرد حکمرانی آیت الله خمینی از تلویزیون آلمان پخش شد. آخوندها آن را توهین به عالم اسلام شمرده اند و ادعا می کنند بپخش این فیلم طنزآمیز عرش عظیم بلرزه در آمده و زلزله درکات افتاده است.

فیلم، مونتاژ ظریفی است از تصاویری آیت الله با یک صحنه سکی که با رویهم قرا گرفتن آنها، بنظر میرسد آیت الله مشغول دست مالی کردن زنها ی عربان و توزیع لباسهای زیر زنا نه ما بیست آنهاست.

بنظر ما آنکه در این فیلم طنزآمیز مورد اهانت قرا گرفته آیت الله خمینی نیست. توهین به زنها ی جوان و زیبای است که مظهر کمال آفرینش و صدق آیه " شریفه " فتبارک الله حسن الخالقین اند و تهیه کننده تلویزیون زلف آن بیچاره را بدست غول بی شاخ و دم می مثل آیت الله داده است!

کس نیاید بیای دیواری که بر آن صورت نگار کنند گرترا در بیشت با شدجای دیگران دوزخا ختیا رکنند این ادعا که هرگاه کسی اسم آیت الله خمینی را بی وضو بزبان بیاورد توهین به عالم اسلام کرده معلوم نیست مبتنی بر چه منطقی است. چنین ادعایی بدان میماند که دولت مغولستان بگوید هرگاه کسی از چنگیزخان به نیکی نام نبرد به ملت مغول توهین کرده است یا دولت ایالتی بگوید بی حرمتی نسبت به کالیگولا و نرون توهین به مسلمانان است و دولت آلمان مدعی شود یا دآوری جنایات هیتلر، توهین به ملت آلمان محسوب میشود.

هرکس در تاریخچا یگا خودش را دارد و قضاوت اکثریت را در باره او نمیتوان با جنجال و تهدید و قرشمال بازی وحاشه آفرینی تغییر داد.

چرا در فرانس و آلمان و آمریکا و ایالتی و جاهای دیگر کسی بفکر نمی افتد مها تما گاندی را به ریشخند بگیرد؟ بدلیل اینکه چنین کاری خریدار و روفرندارد. در همین نمایش تلویزیونی یا مشابه آن که چندی پیش در تلویزیون ایالتی تهیه شده بود اگر بجای خمینی، گاندی را مضحکه می کردند تماشاگران عبادی تلویزیون، خودشان بطور طبیعی واکنش منفی نشان می دادند و تهیه کنندگان تلویزیون متوجه میشدند که بدکاری کرده است و بی آنکه کسی از خواسته با شد عذر میخواست.

گاندی، دوگل، مارتین لوتر کینگ، آبراهام لینکلن، چنگیزخان، موسولینی، هیتلر، خمینی هر کدام در دیدگاه مردم جهان جایی را دارند که با یدداشته باشند.

آن ایامی که آیت الله خمینی در نوفل - لوشا توقا قامت داشت یا تازه به تهران با زگشته بود چنانچه مخالفان او میخواستند یکی از کمانالهای تلویزیونی را در اروپا به تهیه و پخش نمایشی مثل برنامۀ اخیر تلویزیون آلمان ترغیب کنند ممکن نبود موفق شوند، چرا؟ چون آن وقت دنیا در باره خمینی تصویری داشت.

مردم دنیا در آن زمان خیال میکردند همانطور که آندریویا نگ سفیر آمریکا در سا زمان ملل متحد اظهار داشت قدیسی ظهور کرده است و میخواست هدیه ملتی آزادی بدهد، میخواست هدملتی را بر بلند کند، میخواست هدکشوری را بطرف عدالت و امنیت ببرد.

این تصویر را خمینی بمحض آنکه در مقام حکمرانی قرا گرفت بدست خودش ضایع کرد و نشان داد که او نه قدیس است، نه آزادیخواه است و نه بشردوست. یک مستبد خودخواه و خونخوار است که جز ترس و بیچارگی و خشونت و انداختن مردم بجان

یکدیگر هیچ هنری و هیچ هدفی ندارد. وسایل ارتباط جمعی در کشورهای دموکراسی آئینه افکار عمومی بشمار می آیند. چیزی را که قاطبیه مردم بیسندند آنها تعریف می کنند، چیزی را که قاطبیه مردم بیسندند آنها تکذیب میکنند. کسی را که نزد اکثریت مردم محترم باشد آن ها محترم میشمارند، کسی را که مورد تنفر اکثریت باشد آنها تحقیر میکنند، چرا با ید مطبوعات و رادیو - تلویزیون ها از رژیم که به ضدیت با حقوق بشر، ضدیت با آزادی فردی و اجتماعی، ضدیت با آثار تمدن و پیشرفت، ضدیت با افکار متحول و مترقی شناخته شده است به احترام یا دکنند و مردی را که پایدگذا را این رژیم و مسبب اینهمه تیره بختی است مقدس بشمرند؟ دولت ها نظریه منافی که از رابطه با جمهوری اسلامی حاصل میکنند ممکن است احساساتشان را نسبت به رژیم آیت الله مکتوم نگه دارند ولی اهل قلم، اهل هنر، اهل فکر، اهل فرهنگ نمیتوانند ساکت بنشینند و سلتا ق کردن یک هیئت را در دنیا ی قرن بیستم، با خونسردی نظاره کنند. لباس و عمامه یکسوی منویست نمی دهد و احترام برای کسی بر نمی انگیزد. معاویه هم نماز میخواند و روزه میگرفت و عمامه بر می گذاشت و قبا می پوشید و عثوان امیرالمؤمنین داشت.

آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن، آئینه شکستن خطاست بعلاوه، آخوندها چه طور بخودشان اجازه می دادند خلیفه دوم و پدربزرگ پیغمبر را با همه اعتبار و اهمیت که در تاریخ اسلام دارد، در مراسم و قضا " مستهجن شب نهم ربیع الاول به شدیدترین وجهی هجو کنند و پیکر او را به نجاست بیا لایند و آتش بزنند؟

همه میداند که چنین مراسم به تشویق آخوندها و با مباحث و مساعدت آنها در ایران برگذا ر میشد و حتی هنوز هم کلام متروک شده است. تنها موردی که آخوندها دایره و تشبیه و لهو و لعب و رقص های وقیحا نه سرودن و خواندن اشعار زشت را جایز میدانستند همین مراسم بسیار زشت موسوم به " عمرگشان " بود.

پس آخوندهایی هم با این قبیل نمایش ها بیگانه نیستند. حال چطور است که هجو پدربزرگ پیغمبر و خلیفه دوم و یکی از شخصیت های صدر اسلام بدان صورت رکیک توهین به اسلام نیست و عرش خدا بر آستان نمیلرزد و قلوب مسلمانان مالامال از تاء لم نمیشود ولی شوخی کردن یک تلویزیون بیگانه با آیت الله خمینی توهین به اسلام است؟!!

نیروهای مسلح، از ارتش گرفته تا شهریان و ژاندارمری و سیا و کمیته، نشان می دهد، دیگر کلید وجود این نیروها در دست ملاحی حکومتگر نیست. و کارجون به اینجا کشیده است، دانش کلید اینها را ای سلاح چندان سوردی برای ملاحی نخواهد داشت.

ملاحی و سرسپردگان آنها می توانند سوخت اندک به خلبانهای نیروی هوایی بدهند، می توانند فشنگ ها را داده اند بشمرند و به سربازان یا با سداران بسپارند، ولی نمی توانند همین مقدار اندک را از آنان دریغ دارند. و روزی که درگیر و در قیام ملی لوله تفنگ ها در یک چرخش صدو هشتاد درجه ای به روی کارگزاران رژیم برگردد، همین مقدار اندک برای گشودن قفل زرادخانه ها و اینها را برای سوخت و مهمات کافی خواهد بود.

## بی اعتنادهی به ارتش

بقیه از صفحه ۱

این گفتگو، سوای نکته های دیگر، حاوی این نکته، در خورتا، مل نیز هست که به هواپیما های خلبانان ایرانی، سوخت فقط به مقدار بسیار محدودی می دهند. این مسلما " جزوبرنامه " صرفه جویی نیست، زیرا از این حیث کمبودی وجود ندارد، بلکه تنها بدان سبب است که رژیم تهران به نیروهای مسلح، بویژه به نیروی هوایی، عمیقاً " بدبین است.

از ارتش گرفته تا شهریان و ژاندارمری، همه جا آثار نمایشی این بدبینی به چشم می خورد. نه تنها روی ستاد نیروهای مسلح، بلکه فرماندهان نیروها و لشکرها، فرماندهان واحدهای ژاندارمری و رؤسای شهریان شهرستانها و روی ستاد کلانتریهای تهران، مدام عوض می شوند.

این بدبینی رژیم البته بی علتی نیست. رژیم آخوندی اگر به نیروهای مسلح خوشبین بود جای شگفتی داشت. نیروهای مسلح نیز به توبه خود در حکومت آخوندی به دیده تحقیر می نگردند. و این منحصر به ارتش و شهریان و ژاندارمری نیست.

رژیم تهران، چشم مراقب خود را از سیاه پاداران و کمیته ها نیز هرگز بر نمی دارد.

زیرا می دانند که اعضاء این نهادها، زهر جا هم که آمد به شند و هر عقیده ای هم که داشته باشند، سرانجام غلب رگی دارند که خون ایرانی در آنها جاری است.

ترکیب اجتماعی ارتش ایران همواره به گونه ای بود که قشرهای گوناگون جامعه ایران در آن حضور داشتند. این حالت اکنون نه تنها برهم نخورده، بلکه همچنان خود را شایده قدرت بیشتر، نگا داشته است.

هنگامی که تمامی جامعه، یا دست کم اکثریت قاطع آن، با رژیمی مخالف باشند، محال است بتوان نیروهای مسلح را از این مخالفت مصون نگا داشت، خاصه آن که ترکیب اجتماعی این نیروهای مسلح، نمونه کوچکی از ترکیب اجتماعی تمامی جامعه باشد.

رژیم اسلامی کوشیده است نیروهای مسلح خاص خود را بوجود آورد و به وسیله این نیروهای مسلح، جامعه سرکش را کنترل کند، ولی اکنون کنترل خود این نیروهای مسلح برای رژیم مساعده مهمی بوجود آورده است. شبکه ای رسمی زاده های عقیدتی - سیاسی و شبکه ای غیر رسمی از خبرچینان و جاسوسان، بدین منظور بوجود آمده است که حرکات نیروهای مسلح زیر نظر رژیم قرار داشته باشد. نیز رژیم بر آن است تا گرداگرد ذهن و شعور فرماندهان و نیروهای مسلح، دیوارهای ایمن تواءم با تعصب و اطاعت کورکورانه برافرازد تا این نیروها در برابر نارضایتی خیزان جامعه نفوذناپذیر بمانند.

با وجود همه این تدبیرها، موج نارضایتی خود را روز بروز بیشتر در

## اعلامیه حقوق بشر

دفترها هنگی جامعه های دفاع از حقوق بشر در ایران، به تجدید چاپ و انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست زده و با ارسال یک نسخه از نشریه مذکور، از ما خواسته است که نسبت به معرفی آن برای استفاده عموم اقدام کنیم.

قیمت: ۳ مارک  
آدرس دفتر:

P.O. Box 752 · D-1000 Berlin 15  
Telefon (030) 825 85 52

## گورباچف به گام می رود

چهارشنبه ۱۱ مارس دو سال از انتخاب میخائیل گورباچف به سمت دبیرکل کمی حزب کمونیست شوروی گذشت. گورباچف در این مدت با شیوه‌ها و روش‌هایی که در رهبری شوروی تا زگی دارد با رها جهان را به شگفتی انداخت.

رهبر کمترین سومین سال زمانه مداری خود را با امید موفقیت برای دستیابی به نخستین موافقتنامه در زمینه محدود ساختن سلاحهای هسته‌ای و با دورنمای نبردی طولانی و دشوار با مخالفان داخلی نوآوری سیاسی آغاز می‌کند.

گورباچف از زمان انتخابش به سمت دبیر کلی حزب کمونیست در ۱۱ مارس ۱۹۸۵، چند ساعتی پس از اعلام مرگ کنستانتین چرننکو رهبر پیشین شوروی که ۲۰ سال از وی بزرگ‌تر بود تا امروز، بعنوان مردی با حسن نیت جلوه‌گر شده است که می‌باید است به شوروی رنگ قدرتی را ببخشد که شیفته صلح و تنش‌زدایی بین‌المللی است.

گورباچف که امروز ۵۶ سال دارد، پس از احراز سمت دبیرکلی به سرعت به تصفیه بی‌سابقه‌ای در زگانهای رهبری شوروی دست زد و با مصلحت‌گرایی ایدئولوژیک و سیاسی فراوان و با عزم جزم برای تغییرات اقتصادی که هنوز نمیتوان ابعاد آن را مشخص کرد میراث گذشته را زیر علامت سؤال قرار داد.

رهبر شوروی در دو سال زمانه مداری خود، ابتکارهای عظیمی می‌چیند که به جهان غرب را تازه کرده زمین را برای ذوب کردن یخ‌های روابط دو بر قدرت مسا عد کرده است بدون آن که هنوز موفق شود در مورد محدود کردن زرادخانه‌های هسته‌ای به‌کوچکترین موافقتی با آمریکا دست

## واحد نهضت

## در هندوستان

به مناسبت سالروز ۲۲ بهمن آغاز فتنه‌ی خمینی، و احداث نهضت مقاومت ملی ایران در شهر دهلی نو واقع در هندوستان با نصب تما و پرتاب بومرنگ رهبر نهضت مقاومت ملی ایران و نگارنده‌ی این مطلب: مثل ایران هرگز نخواهد مرد. درود بر بختیار، رهبر ملت ایران - ملیون ایران متحد شوید. جنگ بی‌است. در مراکز ما کن عمومی و بر رفت و آمد شهر، مراتب پشتیبانی ملت ستم‌دیده‌ی ایران را از اهداف والای نهضت مقاومت ملی اعلام دادند.

همچنین در سربینگلو واقع در هندوستان، اعضای نهضت مقاومت ملی ایران، بنده طور دسته‌جمعی به شعار روسی و یوسترزی در سطح شهر اقدام کردند.

یابد.

در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ گورباچف با برنامی مملو از اصلاحات خودمبانی برای زمین بردن کامل هرگونه سلاح هسته‌ای تا پایان قرن بیستم، جهان را در شگفتی فروبرد. وی از آن پس بطور منظم نخست‌بینی‌های بلند پروازانه‌ای ارائه می‌دهد و سپس به تدریج دامنه‌های محدود می‌کند اما بهر روی شوروی را قدرتی صلح طلب جلوه‌گر می‌سازد.

وی در ۲۸ فوریه گذشته پذیرفت که حساب موشک‌های میان بردی را که در اروپا مستقر شده اند و به "موشک‌های اروپا" معروفند از حساب سایر پرونده‌های خلع سلاح جدا کند و بدین ترتیب راه رسیدن به توافق را برای برچیدن این موشک‌ها گشود.

گورباچف در ماه فوریه خطاب به بیش از هزار روشنفکر از جمله آندره سی باخاروف - که از ۸۰ کشور جهان در کمترین گروه آمده بودند، تاء کید کرد که سیاست داخلی شوروی بیش از همیشه تعیین کننده سیاست خارجی آن کشور است و تاء کید کرد که دستگا رهبری شوروی برای آن که بتواند آزادسازی فضای سیاسی را پیش ببرد و این روند را غیر قابل برگشت سازد، نیازمند "صلحی یابد" است. وی همچنین از سیاست تازه خود در باره حقوق بشر دفاع کرد.

## آزاد سازی

رهبر شوروی ظاهراً "درمده‌آزادتر کردن فضای سیاسی این کشور است. با بیان بخشیدن به تبعیددان خلی ساخاروف در او خردسایمیر ۱۹۸۶ و آزاد کردن ۱۵۰ تن - بنا به آمار رسمی - از نازیان شوروی در نیمه‌ماه فوریه گذشته و قول این که برونده همین تعداد زندانی سیاسی بررسی شود، با زتاب این قصد گورباچف است. دموکرات منش شدن جامعه شوروی، با اصلاحات بسیار محتاطانه‌ای در مکانیسم‌های اقتصادی آغاز شده است. تا نونی، در عین حال بسیار محدود، اجازه می‌دهد مردم به طور خصوصی به پارهای مسافله بپردازند. بر اساس لایحه دیگری، مسئولان کارخانه‌ها از این پس "انتخاب" خواهند شد و این کارخانه‌ها میتوانند با کشورهای سرمایه‌داری، شرکت‌های مختلط تشکیل دهند. هنرمندان نیز فضای با زتری برای خلق آثار خود پیدا کرده‌اند.

مطبوعات در حالی که همچنان تحت کنترل حزب هستند و به دقت سانسور میشوند، تغییر چهره داده اند و میتوان نظریات بسیار انتقاد آمیز و اغلب متغیاتی را در آنها دید. مطبوعات با تشویق شخص گورباچف بیش از پیش وسعت اصلاحات کنونی و دامنه اشتباهات گذشته را منعکس میکنند و به بیان مسائلی می‌پردازند که تا دیروز جزو محرمانه به شمار می‌رفت، مانند جنایات استالین یا تشریفاتی

## سخنان میتران

فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه، روز سه‌شنبه ۱۰ مارس، در گفت‌وگو با خبرنگاران رسانه‌های گروهی، اظهار داشت که فرانسه قبول نکرد جنگ افزاریه جمهوری اسلامی بفرودشاید این نیز یکی از ریشه‌های دشواری‌هایی باشد که در زمینه‌های سیاسی را بطه با رژیم تهران و حل مسأله گروگان‌ها پیش آمده است.

میتران که در انجمن خبرنگاران در ویلما تیک فرانسه سخن می‌گفت افزود: فرانسه همچنان به تحویل اسلحه به عراق ادامه می‌دهد، اما دشمن جمهوری اسلامی هم نیست. فرانسه ده سال است که به عراق اسلحه می‌فروشد. میتران در عین حال تاء کید کرد که میزان تحویل اسلحه به عراق به دلیل مسائل مالی، افزایش نیافته است. میتران در این مصاحبه اظهار داشت من فقط یک بار پذیرفتم جنایتکاری را که با چهار تن دیگر در سوئ قمدنا فرجام به جان شایورختیا رنخت وزیر پیشین ایران شرکت کرده بود، عفو کنیم، ما از پذیرش پیشنهاد آزادی مرحله به مرحله گروگان‌ها خودداری کردیم و گفتیم وی را مورد عفو

بودن انتخابات در درون کمونیست. اما در زندگی مردم عادی شوروی ظرف این دو سال تغییر چشمگیری روی نداده است، با وجود بهبود اندک، کالاهای مصرفی ضروری هنوز بسیار با ثین تراز میزان مورد نیاز عمومی عرضه می‌شود. الکلیسم همچنان ضررهای عظیمی به اقتصاد شوروی می‌زند و سوء استفاده در شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی کماکان ادامه دارد.

به گفته "هنری کیسینجر" وزیر خارجه پیشین آمریکا که اخیراً از شوروی دیدار کرد، گورباچف و یارانش رونق اقتصادی خارج العاده و حتی انقلابی را آغاز کرده‌اند که بدون تردید در میان گروهی است که هدف آن هستند مقامتی محسوس را برخواهند تکیخت.

مسئولان شوروی اطمینان می‌دهند که این مقامت که گورباچف صریحاً "از آن با کرده است در سطح دفتر سیاسی حزب، یا کمیته مرکزی آن صورت نمی‌گیرد، بلکه در سطح با ثین تر حزب به چشم می‌خورد.

در زمینه خلع سلاح، گورباچف اخیراً "پیشنها کرد که "موشک‌های اروپا" یعنی موشک‌های میان برد ۱۰۰ اس - ۲۰ ساخت شوروی و موشک‌های "پرشینگ" و "کروز" ساخت آمریکا به طور همزمان برچیده شوند، چیزی که در گذشته شوروی به هیچ وجه زیر بار آن نمی‌رفت. گورباچف با این پیشنهاد که قبلاً از سوی جهان غرب عنوان شده بود، خود در جهان غرب به صورت پیام آور صلح نشان داد. پیشنهاد گورباچف ابتدا شور و شعف فراوانی در

جهان غرب برانگیخت ولی اندکی بعد مقامات شوروی و آمریکا سعی کردند احساسات عمومی را تسکین بخشند و از امیدهای بیجا جلوگیری کنند. پس از اعلام پیشنها گورباچف، کارشناسان آمریکاز دیدار قریب الوقوع رهبران شوروی و آمریکا در پاریس تا بستن آینه‌سختن گفتند.

پنج ماه پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات رهبران دو بر قدرت در "ریک جاویک" ایسلند، رسیدن به توافق بر سر "موشک‌های اروپا" بیش از هر زمان دیگر ممکن بنظر می‌رسد.

در همین حال جرج شولتز وزیر امور خارجه اعلام کرد که روز ۱۳ آوریل برای سفری سه روزه عازم مسکو خواهد شد. در واقع اعلام سفر شولتز بود که حدس و گمان در مورد دیدار رهبران دو کشور را رواج داد.

رئیس جمهوری آمریکا و وزیر خارجه او در هفته گذشته سعی کردند خوشبینی‌های زیادی را قدری کاهش دهند. شولتز گفت هدف از سفری تعیین تاریخی برای دیدار رهبران دو کشور نیست و ریگان بهبود روابط با مسکو را در گرو رعایت بیشتر حقوق بشر در شوروی و حل مسائل منطقه‌ای مانند افغانستان دانست.

با وجود این اظهارات، مواضع دو بر قدرت در عرض چند روز بی‌تغییری شگفت‌انگیز به یکدیگر نزدیک شد، به گفته ناظران امکان این که مسکو و واشینگتن بر سر جمع آوری موشک‌های اروپا به توافقی برسند هیچگاه تا این حد به عمل نزدیک نبوده است هر چند مشکلات و مسائلی پیچیده‌ای در این راه هنوز حل نشده باقی مانده است.

## از بهشت استالین

### تابهشت خمینی

بقیه از صفحه ۱

با اینهمه این گرهی نبود که نظریه پسران زان و میلان، خود را درگشودن آن در مانده نشان دهند. از منطق دیا لکتیک رابطه اضداد کمک گرفتند و جاره ای اندیشیدند. گفتند بهشت در سوسیالیسم، برخلاف بهشت ادیان بزرگ، مفهومی مطلق نیست، بلکه کاملاً بستگی به این دارد که دوزخ، به عنوان مفهوم متضاد آن، چگونه جاسازی باشد.

به عنوان مثال: درست است اینک بهشتی در مزارع اشتراکی، در مقایسه با استاندارد کشورها، پیشرفته و مرفه، بهشتی نیست، ولی اگر آن را با زندگی در اردوگاههای کار اجباری مقایسه کنیم، بیگمان از بهشت هم بهتر است.

آن نویسنده شوروی نتیجه میگیرد که استالین اگر چه نتوانست برای زندگی در جامعه عادی الگوئی بهشتی بسازد، در عوض موفق شد زندگی در اردوگاههای کار اجباری را هر چه بیشتر به مفهوم دوزخ نزدیک گرداند، بدانسان که مردم، همین که از آن اردوگاهها دوری یابند، خود را در بهشت احساس می کردند.

فشار دستگای سرکوبگر رژیم، خلاصه زندگی در حضور دائمی مرگ و نیستی که فلسفه شهادت رژیم پرده ختر را القای می کند، با هیچ معیاری زندگی بهشتی نیست، ولی زندگی در زندان اوین، زندگی در مالخ آباد، زندگی در زندان نهسا و سایر تگاههایی که فقط سرعت در ساختن آنها می توانند با سرعت ویران شدن کشور رقابت کنند، به تمام معنای کلام یک زندگی دوزخی است. این زندگی دوزخی هر چه شدیدتر و مهیبتر و تلختر، کامیلان رژیم برای القاء بهشت جمهوری اسلامی کا ملتر. فقط در مقایسه با عذاب بزرگ در زندانها و سایر تگاههای رژیم، زندگی در شهرها و روستاها می تواند بدیهه عنوان زندگی بهشتی و نمود شود. این البته در هیچ کتابی از کتبای نظری یا توصیفی منتشر شده از سوی تبلیغات رژیم تهران نیامده است، ولی یک رهنمود عملی در آنجا این است که یکوشید مردم را مدام در محرومیت و تنگنا نگاهدارید، تا به اندک چیزی خرسند گردند.

برای زندانیانی که در سیاهال محبوس است، یک لحظه روشنایی روز موهبت بزرگی است. اگر کسی حوصله کند و نامه های را بخواند که مردم عادی برای روزنامه های معاصر شده رژیم می فرستند، می بیند که جامعه امروز ایران از آنجا که بهشتی ترین نیاهای روزانه را تشکیل می دهد، محروم نگاشته شده است. یک قوطی شیر خشک برای یک مادر اروپائی اصلاً مسأله ای نیست که بدان فکر کنند. ولی فکر مادی ایرانی را بکنید که در آنسوی تراسیک شهری مثل تهران از این دارو خانه به آن دارو خانه می رود و همه جا اعلان مایوس کننده "هیچ نوع شیر خشک نداریم" را می بیند. برای او دستیابی به یک قوطی شیر خشک چه نعمت بزرگی است.

کارگزاران رژیم مدام به گوش مردم می خوانند که محرومیت را تحمل کنید، و تحمل محرومیت را به عنوان یک تقوا جا می زنند، بدین سبب که به محض پیدا شدن کمترین نعمتی خوشحالی کنند و دولت خدمتگزار را شکر گویند.

بهشت جمهوری اسلامی نه به سبب آنچه بر راستی بهشتی است، اهمیت می یابد، بلکه به اعتبار دوزخی که در رونق آن هیچ کوتاهی نمی شود.

## شکار ریشوها

### در بیروت

بقیه از صفحه ۵

شیخ عباس موسوی، یکی از روحانیان حزب الله، در همین مراسم که با حضور سه هزار حزب اللهی برگزار شد بهشتی به سوریه حمله کرد و گفت: "ورود نیروهای سوری بر نامه ای سیاسی به منظور مبارزه

## ایران گیت ادامه دارد

بقیه از صفحه ۴

تهران ریخته بود اما سرهنگ البیور نورث آن را به حساب خدا نقض سلاب نیکارا گوشه ریخت.

عدنان قاشقی افزود: اسرائیلی ها برای حفظ منافع "میانروهای ایرانی" که از زیر میز دست در دست اسرائیل دانستند، ۲۰ درصد قیمت سلاح های تحویل شده به جمهوری اسلامی افزوده بودند. اما البیور نورث سودناشی از این افزایش قیمت را به جای تحویل به "میانروها" به حساب ضد انقلاب نیکارا گوشه واریز کرد.

\*\*\*

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از بغداد، بیرومون بیامدهای "ایران گیت" در عراق نوشت: ماجرای تحویل اسلحه به آمریکا به جمهوری اسلامی سبب شده است که سیاست آمریکا در چشم مقامات عراق و کشورهای خلیج فارس بشدت بی اعتبار شود.

"رابرت توریل" نماینده حزب دموکرات از ایالت نیوجرسی در ماه فوریه پس از بازگشت از بغداد در برابر کنفرانس اعلام کرد که بر اثر فروش موشک های آمریکائی "هاوک" به جمهوری اسلامی در ماه های اخیر ده درصد از نیروی هوائی عراق آسیب دیده است.

مقامات دیپلماتیک می افزاینند که دولت عراق با توجه و علاقه، ادعاهای ایالات متحده را در مورد این که خواهد گویید تا متحدانش را به قطع فروش اسلحه به جمهوری اسلامی وادارد، دنبال میکند. در این حال بنا بر یک نظر خواهی که نتایج آن به شنبه ۱۵ مارس از تلویزیون "ا.بی.سی." آمریکا پخش شد، اکثریت مردم آمریکا از نظر مدیریت رونالسد

حق دارندان این امنیت برخوردار شوند. "در این میان ولید جمبلاط رهبر دروزیان لبنان نیز خواستار ورود نیروهای سوری به حومه جنوب بیروت شد.

رشید کرامه، نخست وزیر لبنان نیز روز سه شنبه ۱۵ مارس خواستار شد که طرح امنیت سوری به تمام می لبنان از جمله حومه جنوبی بیروت گسترش یابد.

همچنین محمود فقیه مسئول سازماندهی جنبش امل در جنوب لبنان گفت طرح امنیت سوری باید به شهر "صیدا" در جنوب لبنان گسترش یابد.

\*\*\*

در این حال از روز پنجشنبه ۵ مارس گفتگوهای در دمشق میان فرستادگان رئیس جمهوری لبنان و مسئولان سوری، برای تدوین یک "پیمان ملی" تازه برای لبنان آغاز شد.

قرارداد معروف به "پیمان ملی" در سال ۱۹۴۳ میلادی منعقد شد و دولت جدید لبنان بر اساس آن بوجود آمد.

رشید کرامه نخست وزیر لبنان و طرفدار سوریه و همچنین کامیل شمعون یکی از

رهبران مسیحی لبنان که مخالف سوریه است هر دو در مصاحبه های که روز سه شنبه ۷ مارس منتشر شد اعلام کردند که بحران لبنان در آستانه پایان گرفتن است.

\*\*\*

به گزارش خبرگزاری فرانسه، برای بازگرداندن صلح به منطقه، روز سه شنبه ۱۵ مارس تصمیمهایی توسط "کمیته امنیت" مرکب از وزیران لبنان و افسران سوری و لبنانی اتخاذ شد که قرار بود از روز چهارشنبه به موردا جبراً گذاشته شود. از جمله این تصمیمها آن است که باید پیمانهای که زگذرگاه میان دویخش بیروت میگذرند عسکری شود و نیز اوراق شناسائی اتموبیلها بازرسی شود.

از جمله تصمیمات دیگر "کمیته انقلاب" بستن همه کافهها، بارها و کابارههایی است که بطور غیرمجاز و در سایه جنگ باز بوده اند. همچنین رفت و آمد متوسلین سیکلتها در طی شب ممنوع اعلام شده است.

در این حال از روز پنجشنبه ۵ مارس گفتگوهای در دمشق میان فرستادگان رئیس جمهوری لبنان و مسئولان سوری، برای تدوین یک "پیمان ملی" تازه برای لبنان آغاز شد.

قرارداد معروف به "پیمان ملی" در سال ۱۹۴۳ میلادی منعقد شد و دولت جدید لبنان بر اساس آن بوجود آمد.

رشید کرامه نخست وزیر لبنان و طرفدار سوریه و همچنین کامیل شمعون یکی از

حق دارندان این امنیت برخوردار شوند. "در این میان ولید جمبلاط رهبر دروزیان لبنان نیز خواستار ورود نیروهای سوری به حومه جنوب بیروت شد.

رشید کرامه، نخست وزیر لبنان نیز روز سه شنبه ۱۵ مارس خواستار شد که طرح امنیت سوری به تمام می لبنان از جمله حومه جنوبی بیروت گسترش یابد.

همچنین محمود فقیه مسئول سازماندهی جنبش امل در جنوب لبنان گفت طرح امنیت سوری باید به شهر "صیدا" در جنوب لبنان گسترش یابد.

\*\*\*

در این حال از روز پنجشنبه ۵ مارس گفتگوهای در دمشق میان فرستادگان رئیس جمهوری لبنان و مسئولان سوری، برای تدوین یک "پیمان ملی" تازه برای لبنان آغاز شد.

قرارداد معروف به "پیمان ملی" در سال ۱۹۴۳ میلادی منعقد شد و دولت جدید لبنان بر اساس آن بوجود آمد.

رشید کرامه نخست وزیر لبنان و طرفدار سوریه و همچنین کامیل شمعون یکی از



بقیه از صفحه ۱

ما جرای گروگان گیری، چها رصد و چهل و چها روز طول کشید و درین مدت، هر چه آمدند و رفتند و پیاپی آمدند و دلالست و نصیحت کردند و چا فرزندها متیا زها بدهند و گروگان ها را بگیرند حضرت اما ما عتناء نکرد. درست فردای آن روزی که دموکراتها در انتخابات آمریکا با زنده شدن و دیگر نه میخواستند و نه میتوانستند در قبال آزادی گروگانها چیزی بدهند حضرت اما تشخیص داد و قتش رسیده است که گروگانها آزاد شوند. از اینرو منما پنده مخصوص خود را با بیایمی محرمانه بخارج فرستاد دویه آمریکا بیایمی علامه داشت با زی تمام شد، بیایمی بدهر چه میخواستید بگیرید و گروگانها را ببرید. آنها هم نشنیدند و حساب کردند و دیدند با هر رقم مقطوعی بخوا هند معامله را فیصله بدهند ممکن است مغبون شوند. چند میلیار رد دلار نقد گرفتند، چند میلیار رد دلار گرو برداشتند و قرادادی را در اجزیره بهامضای نمایندگان حضرت اما مرسانند که براساس آن، آمریکا عواین که بولهای ایران را پس بدهد بصورت طلبکارا ردا می ایران در آمد. اما ما چنین اما می است. کار بی موقع نمی کند. خیلی ها امروز به طعنه میگویند لباس بعد از عید بدر آویختن برقا مست مناره میخورد و ساختن پنا هگا، در حالی که هفت سال از شروع جنگ میگذرد حکم نوشا روی بعد از مرگ سهراب را دارد. ولی آنها اشتباه می کنند. آنها موقع شنا سی حضرت اما م را ندارند. اگر هفت سال پیش، در اوایل جنگ، جمهوری اسلامی به فکر احداث پنا هگاها می شری می افتاد کمتر کسی متوجه می شد که ساختن پنا هگا ه چه کار بزرگ و پراهمیتی است. میبایستی هفت سال بگذرد مردم، طعم بمباران های هوایی را بچشند، معنی "ترکش" و "واج" را بفهمند، مرگ و نابودی را به چشم خودشان ببینند تا بپذیرند که در هفتمین سال جنگ، هیچ هدیه ای برای شب عیدشان دلپذیرتر و

## عیدی حضرت امام

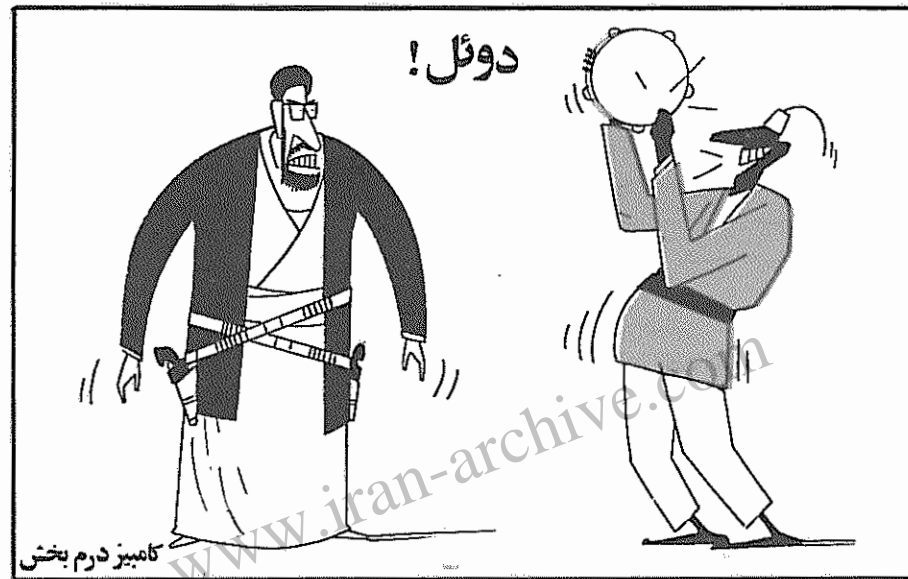
نمی گفتند و نمی نوشتند، اگر عیدی کارمندان دولت و سود ویژه کارگران در دهه دوم سفند ما به دستشان نمی رسید یا دولت تصمیم میگرفت یک روزا ز تعطیلات نوروزی بکا هدجه لم شنگه ای بسراهمی افتاد.

اینها همه، به برکت ظهور ما و انقلاب شکوهمند اسلامی و جنگ هفت ساله که حضرت اما ما آن را نعمت بزرگ و مانده آسمانی نامیده اند، امروز جزوا فسانهها بشمار می آید. بنا براین، حال برای مردم جنگ زده و محنت زده و مصیبت زده ایران، بالاترین عیدی، ساختن پنا هگاهاست. سوراخی که بتوانند در آن پنهان شوند تا جانشان در امان باشد. ما لشان، منالشان، خانه و کاشانهشان، شهرشان، اگر در زیر پناهی بمب و موشک از بیین رفت چه اهمیت دارد؟ مگر مسلمانان صدر اسلام که حضرت اما میفرما بیند برای رفع عطش مشک خالی را میکیدند و برای سد جوع دانه خرما را دهان به دهان میگرددند و خانه های چند طبقه و حمام و بیخچال و اجاق گاز و ماشین رخت شویی داشتند؟

یکی دیگر از خصوصیات حضرت امام اینست که حرفش حرف است و وعده هایش نکول نمیشود. برخلاف آن عده از زعمای جمهوری اسلامی که مکرر گفته بودند اما سال پایان گرفتن جنگ و پیروزی لشکر اسلام است، حضرت امام هیچگاه، حتی به اشته، از خاتم جنگ نه در سال جاری و نه در سال آتی سخنی نگفته است. تا جایی که ما بیاد داریم و حاضریم شهادت بدیم حضرت اما م گفته بود اسلام یعنی جنگ و جنگ با ایدتا آخردنیا ادامه پیدا کند. اینست که ملاحظه میفرمائید سال پایانی می پذیرد ولی جنگ، پایانی یافتنی بنظر نمی رسد. تا زحمان لادولست منتخب و موردا عتما حضرت اما میخواست در شهرها پنا هگاها حداث کند و شهردار تهران گفته است در نظر دارم تهران را به یک شهر جنگی و مقاوم تبدیل کنیم تا مردم از بمباران نترسند!

کشور، اکنون مردم ایران بجای رسیده اند که در شب عید دیگر فیلسان یا هندوستان نمیکند. ما می و پرتقال و سکه طلا از دولت نمی خواهند. تنها آرزوی مردم اینست که در ایام عید بمب و موشک بر سرشان نیارد. هوا هر طور میخواست هدیا شد. غذا بود که نبود هم نبود. لباس شب عید، ما می شب عید، میوه شب عید، آجیل و شیرینی شب عید از ذهن مردم وزندگی اکثریت

با ارزش تر از سوراخی بنا مینا هگاها نیست. مدتی قبل، هنگامی که آثار مضیقها رزی و بحران اقتصادی و صنعتی بصورت کمبود مواد غذایی و محتاج عمومی در ایران ظاهر شد، مسئولان امر در جلسه بی موضوع را با حضرت اما م در میان گذاشته و اظهار رنگرانی کرده بودند. حضرت اما م فرمودند شما ازین جهات نگران نباشید. راه حل تمام این



کامبیز درم بخش

مشکلات جنگ است. جنگ با ایدبجانی برسد که هر کسی صبح از خواب برخاست و دید زنده است آن را عمر دوباره بداند و بهمین اندازها کربا شد. وقتی مردم به آنجا رسیدند دیگر به خوراک و پوشاک اهمیت نمی دهند و رفا طلبی را فراموش می کنند! می بینید که حضرت اما م اشتباه نکرده بود. بر اثر ندامت و جنگ و کشیده شدن دامن آن به شهرهای مرکزی و شمالی

مشکلات جنگ است. جنگ با ایدبجانی برسد که هر کسی صبح از خواب برخاست و دید زنده است آن را عمر دوباره بداند و بهمین اندازها کربا شد. وقتی مردم به آنجا رسیدند دیگر به خوراک و پوشاک اهمیت نمی دهند و رفا طلبی را فراموش می کنند! می بینید که حضرت اما م اشتباه نکرده بود. بر اثر ندامت و جنگ و کشیده شدن دامن آن به شهرهای مرکزی و شمالی

## پناهندگی افسران

### جمهوری اسلامی

به گزارش عنا صرملی سرهنگ عباس عابدین رئیس ستاد نیروی هوایی جمهوری اسلامی که برای خرید سلاح به لندن اعزام شده بود، از خدمت جمهوری اسلامی گریخت و از یکی از کشورهای جهان آزاد تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. بر اساس این گزارش حدود ۳۰ تن افسر دیگر که عده ای از آنها عضو هیئت خرید سلاح بودند، همزمان با سرهنگ عابدین گریختند.

مجله الوطن العربی چاپ لندن نیز گزارش گریختن سرهنگ عابدین را در شماره اخیر خود منتشر کرد. سرهنگ عباس عابدین، قبلاً همسر و فرزند خود را به یکی از کشورهای جهان آزاد فرستاده بود، و خود را زلنسدن به خانواده خویش ملحق شد و تقاضای

## طرح کنترل ارتش

بنازی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به منظور کنترل ارتش طرح جدیدی ریخته اند و سرپرستی نیروهای مسلح را بین خود تقسیم کرده اند، به طوری که تعیین فرماندهان نیروها باید با ضمانت سرپرست هر یک از آنها انجام شود. سرپرست نیروها در مقام بل روح الله خمینی مسئول هستند. بر اساس این گزارش کنترل نیروی هوایی به سید علی خامنه ای سپرده شده است. نیروی دریایی تحت سرپرستی هاشمی رفسنجانی قرار دارد. کنترل

پناهندگی سیاسی کرد. نام گروهی از افسرانی که همزمان با رئیس ستاد نیروی هوایی گریختند به این شرح است: سرهنگ اسما عیال حسین طلایه - جانشین رئیس ستاد نیروی هوایی. سرگرد محمدواثقی - افسر پدافند هوایی و یکی از افسران موردا عتما در رژیم. سرهنگ علی اکبر اسکندری - وابسته نظامی جمهوری اسلامی در هند. سرگرد حسن شهرکی - خلبان هوایمی اف - ۴. سرهنگ بیژن ریاحی - مدیر عملیات ترابری و یکی از افسران موردا عتما در رژیم.

ژاندارمری برعهده موسوی اردبیلی است و سپاه پاسداران زیر نظر محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران اداره میشود. این علاوه بر انواع فیلترهای کنترلی است که از سوی آخوندها در ارتش ملی ایران ایجاد شده است. ما ننند نما بیندگان خمینی و منتظری در ارتش و دانه های عقیدتی - سیاسی و قسمت های اطلاعات و عملیات جمهوری اسلامی.

**تلفن خبری**  
**نهضت مقاومت ملی ایران - لندن**  
 شماره ۲۲۱۰۶۶۸

**نشانی:**  
 QYAM IRAN  
 C/O G.B.  
 17, bd RASPAIL  
 75007 PARIS  
 FRANCE

**ایران هرگز نخواهد مرد**